

بررسی اسنادی از توسعه شرکت نفت ایران و انگلیس

(۱۹۰۱-۱۹۰۹ م)

محمد حسن نیا^۱

مقدمه

پس از کشف نفت در مسجد سلیمان و پی بردن به این نکته که میادین نفتی زیادی در جنوب غربی ایران وجود دارد، می‌بایست کارهایی برای ادامه فعالیت‌های سندیکای نفت جنوب صورت می‌گرفت تا بتوانند به گسترش عملیات حفاری و کشف نفت در مناطق دیگر بپردازند. از جمله این موارد می‌توان به ایجاد پالایشگاه، کشیدن خط لوله، ایجاد تلگرافخانه و تلفن اشاره کرد. در ادامه برای سازماندهی عملیات نفت و جذب سرمایه بیشتر، شرکت نفت ایران و انگلیس را تأسیس کردند که به صورت منسجم فعالیت‌های نفت را پیگیری کنند و دولت ایران نیز به کمک کمیسر (نماینده) خود در شرکت نفت ایران و انگلیس، تمامی نظارت‌های خود را بر شرکت نفت انجام می‌داد.

کشیدن خط لوله نفت توسط شرکت نفت ایران و انگلیس

از جمله مهم‌ترین اقداماتی که بعد از کشف نفت باید صورت می‌گرفت، برنامه‌ریزی جهت خط لوله به طول ۱۳۰ کیلومتر از میان تپه‌ها و دشت‌های مختلف مسجد سلیمان و امتداد آن تا خلیج فارس بود. می‌بایستی در سواحل خشک خلیج فارس نیز محلی برای احداث پالایشگاه در نظر گرفته می‌شد؛ بنابراین چارلز ریچی، مهندس اسکاتلندی، متصدی لوله‌کشی در این مسیر گردید. یکی از مشکلات بزرگ شرکت

۱. دکتری تاریخ دانشگاه تهران.

2. Henry Longhurst, Adventure in oil, London: Sidgwick and Jackson, 1959, p.73.

نفت در این زمان در امر لوله کشی، حمل و نقل آلات و ادوات مربوطه بود که با فقدان راه‌های شوسه و عدم وجود وسایل نقلیه، کار را برای شرکت نفت، دو چندان دشوار می‌کرد.^۱

آرنولد ویلسون این مشکلات را در یک جمله جمع کرده بود و عنوان کرده بود که ادامه کار شرکتی که تحت یک امتیاز نفتی از سوی دولت ایران کار می‌کند، بی‌شک بستگی به پرداخت سرقتی به مقامات محلی و ایالتی دارد؛ همچنین حمایت نظامی و اخلاقی شخص ثالث (بریتانیا و هند) با اداره مرکزی آن در گلاسکو لازم است، زیرا با وزارت امور خارجه در لندن مراد دارد و اداره اتباع بیگانه آن در «سمیلا» (هندوستان) از طریق افسران محلی در ایران میسر است.^۲

اما چارلز ریچی Charles Ritchie که متصدی این کار قرار گرفت، باید به خوبی حرف‌های رینولدز را درک کرده باشد. این فرد، یک اسکاتلندی پر طاقت و در استخدام مؤسسه عظیمی به نام «جی. اند. ژ. ویر» G. J. weir در گلاسکو بود. او در قرار دادن خط لوله نفت در برمه تجربه داشت و به علت پشت کار، مهارت و دقت کارش، در سال ۱۹۰۹م مسئولیت احداث خط لوله نفت در ایران به وی داده شد. وی شاهد احداث و بهره‌برداری این خط لوله بود، اما سرانجام کار به قیمت جان او تمام شد. ویلسون او را یک انسان برجسته و فوق‌العاده توصیف کرده که اهل دعوا و مرافعه با اخلاق نامعین بوده و با افراد مافوق خود، حالت جنگجویانه و پرخاشگرانه داشته است. او تصمیم قاطعی اتخاذ کرد تا قبل از مدت زمان موعود، پروژه احداث خط لوله را به پایان برساند. این فرد مشروبات الکلی نمی‌خورد، سیگار نمی‌کشید و تنها کلمه‌ای که از زبان فارسی می‌دانست، کلمه «یالا» به مفهوم زود باش بود که همیشه نیز از این کلمه استفاده می‌کرد. او یک شخصیت استثنایی بود و انسان از کارهای وی احساس تعجب و دلگرمی می‌کرد.^۳

رانکینگ که به جای رینولدز مسئول مهندسی حفاری در مناطق نفت خیز شده بود، نسبت به چارلز ریچی نگاه خوبی نداشت و این موضوع را با سر ادوارد گری، وزیر امور خارجه انگلیس نیز در میان گذاشته بود، اما گریونی، مدیر شرکت نفت ایران و انگلیس، عنوان می‌کرد که ریچی ممکن است تدبیر کاردانی را در کار از دست بدهد، اما در کار بسیار جدی است و در آینده، کار او دقیق‌تر خواهد شد، اما در این شرایط پالایشگاه سرپا نگه داشته شده است.^۴

اختلافاتی نیز بین مردم مناطق نفت خیز با ریچی وجود داشت و مقامات شرکت نفت هم بر این امر واقف بودند. حتی ممکن بود آشوب‌هایی نیز در مناطق نفت خیز صورت پذیرد. بیشتر این شورش‌ها به دلیل عدم پرداخت حقوق به کارگران لر از طرف خوانین و همچنین هندی‌های تبعه انگلیس ساکن در مناطق نفت خیز بود. علاوه بر آن، حاجی سید حسین یکی از رهبران تجاری اهواز که نماینده شیخ خزعل نیز بود، مناسبات خوبی با ریچی نداشت و این فرد که نفوذ زیادی بین مردم محلی داشت، می‌توانست مردم را ضد کاپیتان

۱. ویلسون، سرآرنولد، سفرنامه ویلسون، ترجمه و تلخیص حسین سعادت نوری، تهران، وحید، ۱۳۴۷، ص ۱۵۲.

2. Henry Longhurst, Ibid, p.37.

3. Henry Longhurst, Ibid, p.37,38.

4. Sir G Barclay to Sir Edward Grey, No31, Tehran, March 19, 1911, F.O. 416/48.

ریتج بشوراند. در مجموع تأکید بیشتر سران شرکت نفت بر این بود که از ریتج، همه گونه حمایت شود.^۱ همکار و دستیار او نیز یک مهندس انگلیسی به نام جیمسون بود که به اندازه خود مهندس ریتج در کارها سخت‌گیر بود. این دو نفر از ویلسون حرف شنوی داشتند. جیمسون نیز فرد کارآموده‌ای بود و شش سال به عنوان کارآموز در کارگاه‌های کشتی‌سازی مشغول به کار بود و با همان کشتی که ریچی به محل کار خود به ایران مراجعت می‌نمود، مسافرت می‌کرد. جیمسون و همکارانش از ناحیه بصره به ایران آمده بودند و مدت‌ها در قرنطینه خرمشهر بازداشت و مجبور بودند روی زمین بخوابند. حقوق این کارگران در ابتدا چهار لیبره بود و ریچی از جیمسون برای کار نقشه‌کشی استفاده کرد. مسیر خط لوله در آن پستی‌ها و بلندی‌ها باید معین می‌شد. نیروی کارگری را عشایر بختیاری تشکیل می‌دادند که روستاییانی بودند که تنها با بیل و کلنگ آشنایی داشتند.

روند کار به این صورت بود که لوله‌ها را قرار بود کشتی آناتونگا *Anatonga* به آبادان بیاورد. این کشتی حامل لوله‌هایی به قطر ۸ و ۶ اینچ برای خط لوله آبادان به مسجد سلیمان بود. وسایل تلمبه‌ها که از شهر *Weir* انگلستان ارسال شده بود، باید از کشتی تخلیه می‌شد.^۲ در آن موقع هیچ‌گونه اسکله یا باراندازی در آبادان وجود نداشت، اما کارگران کشتی‌رانی یک طرح ابتکاری با استفاده از یک کشتی هفتاد تنی به نام «دینا» *Dwina* پیاده کردند.

دینا، یک کشتی قدیمی در ساحل شرقی بصره بود که محمولات خرما را از بندر بصره به کشتی‌هایی که نمی‌توانستند وارد ساحل شوند، حمل می‌کرد. قرار بود این کشتی را در ساحل دریا در آبادان غرق نمایند و لوله‌ها روی عرشه آن تخلیه گردند و از آنجا از روی چوب‌های کلک (کرچی) به ساحل غلتانده شوند. متأسفانه ساحل دریا در منطقه‌ای که قرار بود کشتی در آنجا غرق کنند، شیب‌دار و سطح آن پایین بود و کشتی پس از غرق شدن به زیر آب فرو رفت و در محل موردنظر قرار نگرفت. کشتی را از زیر آب بیرون آوردند و سپس آن را پر از گل و شن کرده، در نقطه‌ای به فاصله ده متر از ساحل غرق کردند تا فشار آب نتواند آن را جابه‌جا کند. یکی دو روز بعد، موج نسبتاً بلندی عرشه آن را شست و سطحش را پر از آب کرد و کشتی در عمق ۱۵ متری در کف ساحل فرو نشست. داوید سون و گری فیت که با همکاری یکدیگر کشتی دینا را غرق کرده بودند، تعدادی از دکل‌های نوع بلم را که اهالی محل «مخیلا» می‌نامیدند و در آن زمان در منطقه متداول بود، دو به دو به هم بستند و در امتداد ساحل در فواصلی که کشتی اقیانوس پیما لنگر انداخته بود، در آب مهار کردند. با قرار دادن تخته روی آنها و مستقر شدن در رو به روی دریچه تخلیه بار کشتی و وصل کردن بلم‌ها به راهروهایی که با استفاده از استیل و الوار در ساحل درست شده بود، سکوی مناسبی جهت پهلو گرفتن کشتی ایجاد کردند.

1. Lieutenant Ranking to Liutenant- colonel Cox, Enclosure2 in no31, Ahwaz, January 26, 1911, F.O. 416/48.

۲. آرنولد ویلسون، همان، ص ۱۵۲.

3. Henry Longhurst Ibid ,p.37,40 .

وقتی کشتی حامل لوله، بعد از یک هفته به آنجا رسید، لوله حمل شده را ظرف ده روز کارگران در ساحل آبادان تخلیه کردند.^۱ از آنجا لوله‌ها از راه کارون عبور داده می‌شد. و از طریق رودخانه تا تمبی و آب گنجی حمل می‌گردید. بعد از آن لوله‌ها باید از طریق ارتفاعات پله‌ها و شیب کوه‌ها کشیده می‌شد و در خیلی از موارد هنگام حمل، لوله‌ها افتاده، به ته دره سقوط می‌کردند. قهرمانان این حوادث قاطرها بودند که از مناطق مختلف دور مانند اصفهان و بغداد آورده می‌شدند. قاطرها را به دو به دو در کنار هم می‌بستند و به تناسب طول لوله که روی پشت آنها قرار داده می‌شد، قاطرها را از یکدیگر تنظیم می‌کردند. لوله‌ها به این ترتیب حمل می‌گردید و روی هم رفته، بیش از شش هزار قاطر، حمل لوله را انجام می‌دادند. هر ۲۰۰۰ قاطر در هر یک از سه اصطبل و در مناطق اهواز، در خزینه و تمبی نگهداری می‌شدند.

وقتی احداث خط لوله به پایان رسید، با مشکل حمل و عبور آن از روی عرض بهم‌شیر مواجه شدند. برای پوشاندن عرض رودخانه، از بشکه‌های قیر خالی که به وسیله سیم به همدیگر وصل شده بودند و روی آب شناور می‌شدند، استفاده کردند. به این ترتیب اقدام به ساخت یک پل شناور شد و چون فرستادن نفت به بالای تپه‌ها نیاز به فشار داشت، پمپ‌ها در منطقه تمبی در مسجد سلیمان نصب شد که بتواند نفت را در بخشی از ارتفاعات بین راه تلمبه کند؛ سپس به فاصله چهل میلی در دشت تلمبه‌هایی نصب گردید، به شیوه‌ای که ارسال نفت به آبادان به سهولت انجام گیرد. این تلمبه‌ها مجهز به فیلتر بودند که می‌توانست از نفوذ اشیایی مانند پارچه، کلاه و در بعضی از مواقع جانوران، جلوگیری کند. و تمامی این وسایل و تلمبه‌ها از شهر «ویر» در انگلستان تأمین می‌شد. خرج همه این وسایل ۱۵ هزار لیره شده بود که به پول امروزی، بسیار اندک است.^۲

در اواسط سال ۱۹۱۱، مهندس ریچی روی خط لوله آزمایش‌هایی انجام داد و عنوان کرد که خط لوله به طول ۱۳۰ مایل، آماده بهره‌برداری است و می‌تواند چهارصد هزار تن نفت خام را از مسجد سلیمان به پالایشگاه آبادان حمل کند. طول خط لوله اصلی که معادن نفت مسجد سلیمان را به آبادان و ساحل دریا وصل می‌کرد، چهل فرسخ یعنی ۲۴۰ کیلومتر بود. قسمت اول آن از دو رشته کوهی عبور می‌کرد که یکی از آن به گچ امام رضا (ع) موسوم بود و ارتفاعش از سطح دریا چهارصد زرع بود. چون خط لوله از کوه‌های مزبور می‌گذشت و به زمین مسطح می‌رسید و از بیابان همواری عبور می‌کرد که تا سطح دریا ۲۷ فرسخ مسافت داشت. برای آنکه بتوان نفت را از کوه‌ها بالا برد و سپس جریان آن را مرتب نگه داشت، شرکت نفت، چهار ایستگاه تلمبه‌زنی پر قدرت در نقاطی موسوم به تمبی، ملاثانی، کوت عبدالله و دارخوین بنا نمود که در خط لوله، فشار کافی را ایجاد می‌کرد و نفت را به آبادان می‌رساند. تلمبه‌های ایستگاه‌های مزبور از سیستم «خارج از مرکز» و کاملاً موافق با اصول علمی جدید ترتیب داده شدند و قوه محرکه آن نیز از توربین‌های بخاری به دست می‌آمد. ظرفیت روزانه تلمبه‌ها چهل هزار بشکه و حداکثر فشار آنها هشتصد

۱. عباسی شهنی، دانش، تاریخ مسجد سلیمان، تهران، هیرمند، ۱۳۷۴، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

2. Henry Longhurst, Ibid, p. 40, 41.

پوند بر اینچ مربع بود.^۱

مهندس ریچی در سال ۱۹۱۴ به سرخک مبتلا گردید و فوت کرد. ریچی تنها یکی از قربانیان سرخک و بیماری‌های متداول مانند طاعون بود. آقای جکسون، رئیس مهندسی شرکت، در خاطرات خود بازگو می‌کند که وبا در جنوب ایران شیوع پیدا کرده بود. آقای جیمسون شب را با یک همکار شام می‌خورد و شب دیگر در تشیع جنازه وی شرکت می‌کرد. گرمی هوا بسیار طاقت‌فرسا بود. و حرارت خورشید روی سطح زمین تا ۱۰۸ درجه فارنهایت می‌رسید. جیمسون به خاطر دارد که همانند ایرانی‌ها برای کاهش حرارت آفتاب به غارها و زیرزمین‌ها در مسجد سلیمان و آبادان پناه می‌برد.^۲

آوردن مطالبی مفصل راجع به لوله‌کشی نفت از مسجد سلیمان به آبادان، بیانگر گوشه‌ای از تاریخ صنعت نفت و تاریخ اجتماعی ایران و مناطق نفت‌خیز است که با چه مشقت و مشکلاتی خط لوله نفت به آبادان که پالایشگاه نفت در آنجا قرار بود ساخته شود، برده می‌شد و نشان می‌دهد که علاوه بر مشکلات حمل لوله‌ها، مسائلی چون امراض واگیر هوا - که ممکن بود جان بسیاری از کارگران و مهندسیین عملیات لوله‌کشی را به خطر بیندازد - وجود دارد، چنانچه خود مهندس ریچی به این بلا گرفتار آمد و نمی‌شود از این همه موارد مربوط به تاریخ اجتماعی مناطق جنوب و جنوب غرب ایران که در راستای تاریخ صنعت نفت ایران هویدا می‌شود، گذشت. شاید اگر این بخش از مسائل مربوط به نفت نوشته نشود، همگان فکر کنند که تاریخ نفت ما فقط در سال‌های محدودی خلاصه می‌شود و مشقت‌ها و سختی‌هایی که کارگران ایرانی و غیر ایرانی برای کشف، استخراج و بهره‌برداری از نفت ایران متحمل شدند و گوشه مهمی از تاریخ اجتماعی ما را تشکیل می‌دهد، نانوشته می‌ماند. علاوه بر آن، شیوه حمل و نقل و تاریخ حمل و نقل و راه‌ها در ایران، از موارد دیگری است که در این گفتار به خوبی به آن پرداخته شده است. در مجموع تاریخ نفت فقط تاریخ فروش و سود و سهام نیست، بلکه تاریخ مشقت‌ها و گرفتاری انسان‌هایی نیز هست که نامی از آنها در صفحات تاریخ ایران نیست.

آقای ریچی، رئیس خط لوله، برای لوله‌کشی زحمت زیادی در حمل وسایل خطوط لوله متحمل شده بود و همه چیز باید به وسیله قاطر حمل می‌شد. جاده ارسال وسایل از آبادان به مناطق، فقط نه ماه از سال باز و قابل استفاده بود. برای حمل چند قطعه لوله حفاری به قطر ده اینچ به محل عملیات در مناطق، نیاز به هشت رأس قاطر در چهار روز زمان بود. شیوع وبا باعث مرگ بسیاری از کارگران هندی شده بود. مقاومت کارگران مسلمان در پیروی از بعضی اقدامات پیشگیری کننده (مانند سوزاندن جسد افرادی که مبتلا به وبا می‌شدند) موجب بدتر شدن وضعیت مرگ و میر شده بود. ایرانی‌ها اجازه سوزاندن اجساد مردگان را نمی‌دادند، در صورتی که برای هندی‌ها سوزاندن جسد، یک امر معمول بوده است.^۳

۱. دانش عباسی شهنی، همان، ص ۱۱۶.

2. Henry Longhurst, Ibid, p. 42 .

۳. دانش عباسی شهنی، همان، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

فعالیت شرکت استریک اسکات با مسئولیت محدود (۱۹۱۳-۱۹۱۱م)

با توجه به گسترش فعالیت‌های شرکت نفت ایران و انگلیس و گسترده‌تر شدن دامنه عملیاتی و اجرایی این شرکت، لازم می‌نمود برخی از کارهای شرکت از طریق مناقصه یا مواردی از این قبیل، به شرکت‌های تابعه داده شود که یکی از این شرکت‌ها، شرکت استریک اسکات بوده است. کار اصلی این شرکت، فراهم آوردن تجهیزات پالایشگاه و مناطق نفت‌خیز و فراهم نمودن وسایل مورد نیاز اعم از فنی و عملیاتی و انجام امور اداری شرکت از ابتدای کار توسط یک شرکت تجاری به نام «استریک اسکات» Strick Scot. Co. Ltd بود.

آقای اسکات، از بانیان شرکت، یکی از مهندسين کارهای توپوگرافی برای شرکت نفت بود. او از هند به ایران فرستاده شده بود و تاحدودی مسئولیت گروه توپوگرافی را داشت.^۱ او وظیفه داشت تا تأسیساتی را در مناطق نفت‌خیز جنوب ایران به وجود آورد و به کار توپوگرافی در آنجا برای شرکت نفت بپردازد.^۲ وزارت خارجه انگلیس نیز از طریق اداره هند در جریان استخدام اسکات قرار گرفت،^۳ اما او می‌بایست با انجام اقداماتی، رضایت کامل شرکت نفت را هم به دست می‌آورد.^۴ در ضمن امنیت او و گروه همراهش نیز می‌بایست توسط شرکت نفت تأمین می‌گردید.^۵ در پی این بود که آقای اسکات پیشنهاد داد با دو نفر از افراد محلی، جستجو را در مناطق نفت‌خیز شروع کند.^۶ این گونه بود که آقای اسکات وارد شرکت نفت شد و ریاست شرکت استریک اسکات را نیز بر عهده گرفت.

ریاست این شرکت در ایران را لوید اسکات LiloydScott بر عهده داشت. او یکی از بازرگانان انگلیسی مقیم هندوستان بوده که در هندوستان، ثروت بسیاری از تجارت چای به دست آورده بود. در سال ۱۹۱۳ میلادی به لندن رفت و پس از مدت کوتاهی، به عضویت هیئت مدیره شرکت منصوب گشت. پس از او برای مدت هفت، سال شخصی به نام «والپول» از مأمورین اداره سیاسی هندوستان که از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۳ میلادی کنسول یار انگلیس در خرمشهر بود، ریاست شرکت را بر عهده داشت. در سال ۱۹۲۱ میلادی سرآرنولد ویلسون و آقای جکسن (بعدها مدیر مقیم شرکت نفت در تهران شد)، هر دو این مقام را بر عهده داشتند. تا اینکه سال بعد سرآرنولد ویلسون، مسئولیت مدیر مقیم شرکت استریک اسکات را عهده‌دار گردید. در سال ۱۹۲۵ میلادی که لرد کدمن به ریاست شرکت نفت منصوب گردید، شرکت

1. Anglo- Persian oil company to foreign office, No 55, Winchester house, Old Broad Street, London, January 12, 1910 , F.O. 416/43.
2. viscount Morly to Government of India, Inclosure3 in No.17, India office, December 26 , 1909,F.O. 416/43.
3. Foreign office to India office, No80, F oreign office, January 12, 1910 , F.O. 416/43.
4. Foreign office to Anglo- Persian oil company, No81, Foreign office, January 12, 1910 , F.O. 416/43.
5. Messrs, Lioyd, Scott, And co to Anglo- Persian oil company, Mohammareh, Desember 11, 1909, , F.O. 416/43.
6. India office to foreign office, No121, India office, January 26, 1910 , F.O. 416/43.

استریک اسکات نیز برچیده شد.^۱

مقر این شرکت در خرمشهر بود و مدیران این شرکت بیشتر عضو هیئت مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس بودند. این شرکت هر سال کمیسیون و حق العمل کاری زیادی از شرکت نفت می‌گرفت و کارهای اداری آن را در ایران اداره می‌نمود. آقای لوید اسکات و همکارانش، تمامی کارهای تجاری شرکت را نیز انجام می‌دادند و حتی می‌توانستند از خطوط تلگراف بصره، بغداد، برازجان، تهران تا فاو و بوشهر نیز استفاده کنند.^۲

بیشتر دست‌اندرکاران و سهام‌داران آن انگلیسی بودند که در خلیج فارس نفوذ تجاری داشتند. تجار این شرکت، معادن خاک سرخ جزیره هرمز را اجاره کرده بودند و حمل و نقل خرما و دیگر محصولات را از بندر بصره بر عهده داشتند. تجارت بین اروپا و اقیانوس هند نیز در بسیاری از موارد، بر عهده کشتی‌های مربوط به این شرکت بود. این شرکت همچنین با شرکت‌های تجاری آلمان و حتی شرکت برادران لینچ رقابت می‌کرد. هیئت مدیره کمپانی که بیشتر انگلیسی بودند، سعی داشتند دامنه نفوذ شرکت را گسترش دهند و انحصار فروش بسیاری از محصولات را به دست آورند.

شرکت استریک اسکات تجارت خود را زیر نظر سی داری با همکاری سی نایت در بصره ادامه داد و اداره محرمه زیر نظر وی اس لامپ با همکاری والپول و گری وی بود. در حالی که شرکت استریک توسعه پیدا می‌کرد، هیئت مدیره شرکت به دلیل اوضاع سیاسی آنجا نگران بودند. در اثر این عوامل بود که هامیلتون و گرینوی، سفر کوتاهی به ایران داشتند که هم اوضاع شرکت نفت را مورد بررسی قرار دهند و هم اطلاعاتی راجع به آن منطقه به دست آورند. در ۱۹ دسامبر ۱۹۰۹، بالاخره آنها از ایران دیدن کردند و در همان سفر بود که به مشکلات کار پی برده، رینولدز را از ایران فراخواندند، اما در مجموع از اقدامات او تشکر کردند و آنها پی بردند که چه سختی‌هایی در زمینه حمل و نقل و مسائل سیاسی، برای عملیات کار در آن مناطق وجود دارد.

گرینوی و هامیلتون همچنین از لوله‌کشی و پالایشگاه آبادان نیز که به سبک اروپایی ساخته شده بود، دیدن کردند.^۳ در راستای همین اهداف بود که تصمیم اتخاذ گردید تا کارهای اداری شرکت به شرکت استریک اسکات داده شود. وقتی پالایشگاه آبادان شروع به تصفیه نفت کرد، تمامی کارکنان فنی، اداری و بازرگانی شرکت که مشاغل عمده و مسئولیت اداری داشتند، همه انگلیسی بودند کارکنان قسمت اداری، کم و بیش انگلیسی‌هایی بودند که هندوستان را دیده و با افکار آنجا و شیوه برخورد با مردم غیر انگلیسی، آشنا بودند. همه کارمندان دفتری و عمومی، کارگران فنی و حتی پیش‌خدمت‌ها و آشپزها، هندی و پاکستانی

۱. یعقوبی نژاد، علی، رئیس نفت، تهران، یادواره کتاب، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸.

2. Acting consul Wilson to consul – genral cox, Mohammerah, july, 24, 1909, Inclosure 1 in no 526, F.O. 416/41.

3. Ferrier, the history of the British Petroleum company, vol1, London: Cambridge university press, 1982, p.140-143.

بودند و فقط کارهای غیر فنی به ایرانیان محول شده بود. تنها کارگران فنی ایران عبارت بودند از یک عده بنا، تجار و عده معدودی که زیر دست هندی‌ها و انگلیسی‌ها کارهای فنی آموخته بودند. محدودی از ایرانی‌ها هم به عنوان منشی و میرزا استخدام شده بودند که کمی انگلیسی و هندی می‌دانستند و سمت مترجمی داشتند. توجیه شرکت برای این کار، آن بود که طبق فصل دوازدهم امتیاز داری که می‌گوید عمده و فعله باید رعیت اعلی حضرت شاهنشاه باشند، تعهد دیگری ندارد و علاوه می‌کند که چون کارگران و کارمندان فنی بین ایرانیان یافت نمی‌شود، به ناچار آنها را از خارج می‌آورند و چون ایرانیانی که به زبان انگلیسی آشنا باشند، بسیار کم هستند، برای کارهای دفتری هم از هندوستان استخدام می‌کنند، ولی علت واقعی این گونه استخدام‌ها این بود که کارکنان هندی مطیع‌تر بودند و اگر هم اعتراضی به طرز استخدام خود می‌کردند، به آسانی آنها را از کار اخراج کرده، به هندوستان می‌فرستادند. مسئولین شرکت بر این نظر بودند که استخدام از چند ملیت مختلف، اختلافاتی را بین کارکنان شرکت ایجاد می‌کند که به نفع شرکت تمام می‌شود.^۱

در مجموع شرکت استریک، امور اداری شرکت نفت ایران و انگلیس را بر عهده داشت. چون تمام دست‌اندرکاران شرکت استریک اسکات انگلیسی بودند، این شرکت تلاش داشت از نیروهای انگلیسی یا آشنا به زبان انگلیسی در کارهای فنی و اداری استفاده کند؛ کارگران ایرانی را نیز بیشتر در کارهای خدماتی و دون پایه به کار می‌گرفت و آن هم بیشتر به دلیل مفاد قرارداد داری بود که صاحب امتیاز را ملزم می‌کرد از کارگران محلی استفاده نماید. اما ما منابع و اسنادی از موفقیت یا عدم موفقیت شرکت استریک اسکات در زمینه چگونگی اداره امور مربوط به شرکت نفت ایران و انگلیس را نداریم و شاید رد و بدل شدن رؤسای شرکت در ایران، دلیلی برای مشکلات شرکت در رفع و حل کارهای اداری شرکت نفت ایران و انگلیس باشد. برچیده شدن این شرکت در سال ۱۹۲۵ نیز این فرضیه را محتمل‌تر می‌کند.

در هنگام فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس و اجرای امور اداری این شرکت توسط شرکت استریک اسکات، شهر آبادان از نظر شهرسازی، مجموعه‌ای از تیرهای حصیری بود و فقط چند خانه آجری در آنجا وجود داشت. و شرکت برای آنکه تماس با شهر نداشته باشد، کانالی بین شهر و مؤسسات خود حفر کرده بود که عبور از آن برای کسانی که عضو شرکت نبودند، بدون اجازه میسر نبود. شرکت برای عموم کارکنان انگلیسی، خانه‌های مناسب و راحتی در آبادان و مناطق ساخته، وسایل آسایش آنها را کاملاً فراهم کرده بود. کارکنان هندی و پاکستانی هم در اطرافهایی که به شکل سربازخانه بنا شده بودند، سکنی داشتند، ولی برای ایرانیان اعم از کارگر و کارمند معمولی، خانه و مسکنی تا آن تاریخ ساخته نشده بود و آنها مجبور بودند در کپرهای حصیری یا خانه‌هایی که برای افراد متفرقه ساخته بودند، زندگی کنند.^۲

۱. یعقوبی‌نژاد، علی، همان، ص ۱۷۹.

۲. همان، ص ۱۸۰-۱۷۹.

کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس و اوضاع اجتماعی و اقتصادی آنها

شرکت نفت به دلیل ساخت خط لوله پالایشگاه نیاز به کارگران زیادی داشت و این کارگران نیز طبق ماده ۱۰ قرارداد داریسی، می‌بایست از بین ایرانی‌ها انتخاب می‌شدند. این موضوع در سال ۱۹۰۹ نیز به وسیله صدیق‌السلطنه گوشزد شد. در آن زمان ۵ مکانیک استرالیایی، ۵ حفار کانادایی و ۶ نفر انگلیسی، مقام‌های مدیریتی را بر عهده داشتند، ولی کارگرهای شرکت را بیشتر افراد محلی تشکیل می‌دادند که به طور آزمایشی به کار گرفته شده بودند. آرنولد ویلسون، گزارشات جالبی از به کارگیری نیروهای محلی در کار شرکت نفت دارد. او تأکید داشت که کارگران محلی آنجا شامل عرب، ترک و ایرانی‌ها هستند و بیشتر نیروهای به کار گرفته شده در گمرکات و کشتی‌ها، عرب‌ها و ترک هستند و کارگران ایرانی کمتر به کار گرفته شده‌اند. کارگران خارجی نیز نمی‌توانند به طور کامل جای کارگران محلی را پر کنند. گرینوی، مدیر عامل شرکت نفت، تأکید داشت که کارگران باید از ملیت‌های مختلفی باشند. عوامل مدیریتی تأکید بر این داشتند که کارگران می‌بایست از بین ایرانی‌ها انتخاب گردند. اما باز گرینوی، استخدام کارگران از ملیت‌های دیگر نیز موافق بود و فکر می‌کرد با استخدام کارگران از ملیت‌های مختلف، دوام شرکت بهتر خواهد شد. نخستین جزئیات نیروهای کاری به کار گرفته شده در شرکت نفت ایران و انگلیس در ۱۳ ژانویه ۱۹۱۱ به شرح زیر است:^۱

جدول کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۹۱۱

جمع	غیره	ایران	هندی	اروپایی	منطقه نفت خیز
۵۴۱	۱	۴۵۷	۶۶	۱۷	منطقه نفت خیز
۸۳	۱۲	۶۷	۱	۳	اهواز
۸۸۶	۷۰	۵۹۰	۲۱۸	۸	آبادان
۹۵۰	۱۸۵	۷۷۰	۴۹	۲۶	خط لوله
۲۴۶۰	۱۸۸	۱۸۸۴	۳۳۴	۵۴	

با توسعه عملیات نفت در ایران از سال ۱۹۰۹ و وارد کردن مواد و مصالح اولیه، احتیاج به کارگر افزون‌تر گردید. جدول بالا تعداد کارمندان شرکت نفت، ترکیب جمعیتی کارگران و ملیت آنها را در سال ۱۹۱۱ نشان می‌دهد. شاید همین ترکیب غیر ایرانی کارگران از عواملی بوده است که بعدها در ملی شدن صنعت نفت به دلیل تبعیض‌هایی که بین کارگران قائل شده بودند - نمود پیدا کرد.

اما ترکیب جمعیتی کارگران ایرانی مناطق نفت خیز را می‌توان در اسناد انگلیسی و منابع خارجی نیز بررسی کرد. در این گزارش‌ها آمده است: «کارگران موجود در خوزستان دو دسته هستند: عرب‌ها و فارس‌ها. عرب‌ها با اینکه خوب کار می‌کنند، روزانه دو قران می‌گیرند و به صورت منظم و دقیق در روز کار نمی‌کنند.

1. Ferrier, Ibid, p 154.

اما بیشتر کارهای شرکت نفت ایران و انگلیس به وسیله کارگران فارس صورت می‌گیرد که ساکنان آن مناطق هستند. در اهواز و جاهای دیگر خوزستان برای عملیات حفاری از فارس‌ها (لرها) استفاده می‌کنند، از آنها راضی هستند و روزانه دو قران نیز به آنها حقوق می‌دهند. بین کارگران مناطق نفت خیز ایرانی، کارگران دزفولی از نظر میزان پرداخت در سطح بالاتری قرار دارند. این کارگران شامل تعدادی از کشاورزان ماهرتر هستند.

حفاری به وسیله بیل و سطل صورت می‌گیرد و کارگران محلی در استفاده از بیل، مهارت خاصی دارند، اما تأکید شرکت نفت بر این است که کارگران را با بیل و کلنگ آشنا سازد و میسیون‌های علمی در شوش در زمینه تحقیقات علمی این تجربه را دارند. آنها از واگن‌های کوچک برای حمل و نقل استفاده می‌کنند و لرها با بیل‌های دست بلند بیشتر می‌توانند کار کنند. کارگران لر و عرب در صورت وجود نظم، به خوبی زیر دست رؤسایشان کار می‌کردند. ولی بنایان و آجرکاران بیشتر دزفولی بودند...^۱ به نظر می‌رسد که در ابتدای کار شرکت نفت با توجه به این که مناطق نفت خیز در مناطق بختیاری و خوزستان بوده است، بیشتر کارگران از استان خوزستان کنونی انتخاب می‌شدند، ولی با توسعه کار شرکت نفت، کارگران سایر مناطق ایران نیز به این گروه پیوستند. اما نکته مهم این است که چه در قرارداد داری و چه در سایر قراردادهای محلی منعقد بین رؤسای قبایل با شرکت نفت ایران و انگلیس تأکید بر استفاده از کارگران ایرانی بوده است تا جایی که مقامات انگلیسی با توجه به فشار دیپلماسی ایرانی در به کارگیری کارگران ایرانی در مکاتبات خود به شرکت نفت ایران و انگلیس عنوان می‌کردند تا کشاورزان ایرانی را در کارهای شرکت نفت به کار گیرند.^۲ به کارگیری کشاورزان و دامداران مناطق نفت خیز در کارهای شرکت نفت، علاوه بر اینکه مانع ایجاد نا امنی در مناطق نفت خیز می‌شد، می‌توانست این کارگران را در روند سریع‌تر کار برای شرکت نفت ایران و انگلیس سهیم کند و آنها شرکت نفت را جزئی از حیات مادی خود قلمداد نمایند. از سوی دیگر نیز چون بسیاری از کشاورزان و دامداران در اثر حفاری شرکت نفت، اراضی مزروعی و دام‌پروری خود را حتی با اخذ پول از دست داده بودند، در صورت بیکاری این نیروها می‌توانستند مشکلات زیادی به لحاظ امنیت برای شرکت نفت ایجاد کنند.

در کنار کارگران ایرانی شرکت نفت، کارگران خارجی نیز از همان ابتدای انعقاد قرارداد داری و شروع به فعالیت حفاری نفت در ایران، به فعالیت مشغول شدند و با توجه به پیچیده بودن صنعت نفت و احتیاج به تخصص‌های مختلف، شرکت بهره‌برداری اولیه و سندیکای نفت از این کارگران استفاده می‌کرد. از مهم‌ترین مواردی که همواره در مورد کارگران خارجی شرکت نفت توسط رؤسای شرکت مطرح بود، مسئله امنیت کارگران این شرکت بوده است در برخی از موارد همچنان که از اسناد انگلیسی بر می‌آید، عدم امنیت کارگران را دولت انگلیس، نشانه‌ای از پایین آمدن شأن خود می‌دانست.^۳ به نظر می‌رسد در برخی

1. Genral And Political Considrations, Enclosure4 in No333,1911, F.O. 416/49.

2. Sir Edward Grey to Sir G Barclay, No669, Foreign office, March 26, 1912, F.O. 416/51.

3. sir.c.spring- Rice to sir Edward Grey, No.467, Gulahek, September 13, 1907, F.O. 416/33.

از موارد، مسئولین شرکت نفت در این زمینه غلو می‌کردند و منظور آنها نیز از این غلو این بوده است که بابت انتظامات در مناطق نفت خیز پول بیشتری به بختیاری‌ها و شیخ خزعل که در فصل بعد به آن پرداخته می‌شود، نپردازند.

دولت انگلیس همچنین ایجاد امنیت برای کارگران سندیکای نفت را وظیفه دولت ایران می‌دانست و عنوان می‌کرد که کارگران شرکت نفت نمی‌توانند در شرایط ریسک‌پذیر، به کار خود جهت عملیات حفاری ادامه دهند و کشف نفت بدون تأمین امنیت صورت نمی‌پذیرد.^۱ دولت ایران نیز به خوانین بختیاری توصیه می‌کرد تا حفاظت از کارگران مناطق نفت خیز را انجام دهند، ولی در مجموع انگلیسی‌ها دولت ایران را به سلب مسئولیت این دولت در قبال حفاظت از مناطق نفت خیز و کارگران مشغول به کار در آنجا قلمداد می‌کردند.^۲

پی‌گیری‌های حقوق کارگران در مناطق نفت، خیز، همواره یکی از مهم‌ترین مباحث مکاتبات مقامات سیاسی انگلیس در مناطق نفت خیز بوده است.^۳ شخص داری نیز در مکاتبات خود همواره امنیت کارگران مناطق نفت‌خیز را در مکاتبات خود با وزیر مختار انگلیس در ایران پی‌گیری می‌کرد و حتی در این زمینه به دولت انگلیس، پیشنهادهای را جهت حفاظت از کارگران ارائه می‌کرد. از جمله راهکارهای او به دولت انگلیس:

- ۱- دولت انگلیس می‌تواند به خوانین بختیاری برای ایجاد امنیت کارگران طبق قرارداد فشار بیاورد و حتی برای تهدید آنها قایق‌های توپ‌دار به اهواز بفرستد.
- ۲- کاپیتان لوریمر می‌تواند اسکورت‌ها را افزایش دهد و با استفاده از این اسکورت‌ها به منطقه نفت خیز رامهرمز که رینولدز مشغول فعالیت در آنجا است، برود.
- ۳- تعدادی از نیروهای نظامی هند می‌بایست به صورت گارد ویژه در رامهرمز به کار حفاظت از مناطق نفت‌خیز بپردازند.

۴- فرستادن قایق توپ‌دار به رامهرمز می‌تواند در امنیت مناطق نفت خیز تاثیرگذار باشد.^۴ فرستادن قایق توپ‌دار همواره به عنوان یک عامل تهدید انگلیس در مناطق نفت‌خیز استفاده می‌شد. این قایق معمولاً از بغداد حرکت می‌کرد و به اهواز می‌رسید. پرچم بریتانیا بر فراز این قایق بود و برای مواقع اضطراری، جهت تأمین امنیت و تهدید به حمله نظامی، از این کار استفاده می‌شد.^۵ نایب کنسول انگلیس در اهواز، زمان

1. Vice consul Lorimer to sir.c.spring- Rice, Inclosure1 in no 467, isphan, August 29, 1907, F.O.416/33.
2. Mr Marling to Mushir-ed- Dowleh, Inclosure3 in no.440, Tehran,December3 ,1907, F.O. 416/34.
3. Foreign office to Indian office, No 26, Foreign office, october5, 1907,F.O. 416/34.
4. Mr.W.Darcy to sir c. Harding, No38, Bylaugh park, East Dereham, October 6 ,1907, F.O.416/34.
5. Mr.Morely to Government of india, Inclosure1 in no. 50, Indian office, october7, 1907,F.O. 416/34.

رسیدن این قایق توپ‌دار را اعلام می‌کرد و مسیر تردد آن در ایران نیز رود کارون بوده است.^۱ سر آرتور هاردینگ نیز برخی از پیشنهادات داری را جهت امنیت کارگران مناطق نفت‌خیز می‌پذیرد و برخی از آنها را نیز رد می‌کند و عنوان می‌کند که آوردن گارد ویژه از هند برای حفاظت از مناطق نفت‌خیز ممکن است باعث اعتراض محلی در این زمینه شود.^۲

مسئله بهداشت و اوضاع بد معیشتی در مناطق نفت‌خیز، از دیگر مسائلی بوده است که کارگران مناطق نفت‌خیز به ویژه کارگران خارجی مقیم در آنجا با آن مواجه بودند و هر لحظه احتمال داشت که بر اثر عدم وجود امکانات، کارگران محل کار را ترک کنند، ولی مسئولین سندیکا در پی این بودند که با آوردن خط تلگراف و غیره، این مشکل را حل کنند.^۳

تأثیر شرکت نفت ایران و انگلیس در احداث شهرهای مسجد سلیمان و آبادان

صنعت نفت در ایران از ابتدای شکل‌گیری با توجه به تبعات اقتصادی و سیاسی آن، تأثیر عمیقی در شهرسازی مناطق نفت‌خیز داشته است. از آنجایی که دو شهر مسجد سلیمان و آبادان با توجه به کشف نفت و تأسیس پالایشگاه در آنجا از نخستین شهرهایی بوده‌اند که به خاطر فعالیت‌های شرکت نفت ایران و انگلیس بنیان نهاده شده‌اند و همچنین رشد و توسعه اولیه این شهرها تا حدودی در سال‌هایی که مورد نظر این پژوهش است، به وجود آمده؛ از این رو ابتدا به شهرسازی مسجد سلیمان که می‌شود از آن تحت عنوان شرکت شهر یاد کرد، پرداخته می‌شود؛ سپس شهرسازی آبادان که می‌شود از آن تحت عنوان پالایشگاه شهر یاد کرد، پرداخته می‌شود.

احداث شهر مسجد سلیمان

مسجد سلیمان سرزمینی کوهستانی است و چند رشته کوه گچی، سنگی و خاکی در سراسر آن کشیده شده است. در میان این ناهمواری‌ها، جلگه‌ها و دره‌های کوچکی وجود دارد که ۲۸ حلقه چاه حفر شده در مسجد سلیمان را حفر کرده‌اند. شهر مسجد سلیمان نیز با حفر این چاه‌ها و ایجاد مجتمع‌های مسکونی در کنار آنها برای کارکنان صنعت نفت شکل گرفت.^۴ به این ترتیب که متصدیان و کاشفان معادن نفتی شرکت نفت ایران و انگلیس در آنجا چند ساختمان ساخته، شروع به حفر چاه‌های شماره یک نمودند و پس از کشف نفت در چاه شماره یک و فوران نفت در آنجا و وقتی به میزان چاه شماره یک پی برده شد، رشد شهرنشینی از آهنگی بالاتر برخوردار گردید و شهرنشینان نیز بیشتر کارگران و مهندسان شرکت نفت

1. Government of india to Mr. Morely, , Inclosure in no.62, October 12, 1907, F.O. 416/34.

2. Sir c. Harding to Mr.W.K Darcy, No 51, Foreign office, october 11, 1907, F.O. 416/34.

3. F oreign office to Mr Preece, No240, F oreign office, july 30 , 1908, F.O. 416/36.

۴. یوری، محمود، شهر من مسجد سلیمان، انتشارات اکنون، ۱۳۸۳، ص ۵۲.

ایران و انگلیس بودند.^۱

مهم‌ترین ساختمان‌های مسکونی و اداری در محلی احداث گردیدند که نام شاه‌نشین به خود گرفته بود. همراه ایجاد ساختمان‌های جدید، شرکت نفت ایران و انگلیس به کارمندان ایرانی‌اش، واحد سازمانی واگذار نمی‌کرد و به همین دلیل کارگران ایرانی شرکت نفت در حواشی واحدهای مسکونی و تأسیسات شرکتی، آغاز به ساختن مسکن برای خود می‌کنند؛ به این ترتیب، نخستین محله کارگران ایرانی شکل می‌گیرد. محله کلگه متعلق به شوشتری‌های مهاجر بوده که بازرگانان و پیشه‌وران در آن محله، بازاری نیز بنا می‌کنند. خود این بازار زمینه اشتغال افرادی را فراهم می‌کند که در شرکت نفت کار نمی‌کنند، ولی در آن شهر زندگی می‌کنند و از آنجایی که شرکت از احداث واحدهای مسکونی در همجواری واحدهای مسکونی جلوگیری می‌کرد، کارگران خانه‌های خود را در جاهایی می‌ساختند که بولدزهای شرکت نفت در سال‌های یاد شده نتوانند به آنجا دسترسی داشته باشند و خانه‌ها را تخریب کنند.^۲

در مجموع، بنای اولیه مسجد سلیمان در مساحتی حدود یک کیلومتر مربع با جمعیت ثابتی حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر که به صورت یک کمپ بود، گذاشته شد که از این تاریخ رو به توسعه نهاد.^۳ به تفاوت طبقاتی در این شهر می‌توان از محلات ایجاد شده در آن پی برد. از نظر جغرافیایی نیز محلات و جای قرار گرفتن آنها، تفاوت زیادی دارند. محلاتی به نام کمپ کریسنت، پانسسیون خیام، اسکاج کریسنت، افتری هاستل، وسترن هاستل و جکشن هاستل در یک طرف شهر و یک بافت جغرافیایی قرار داشتند؛ محله کلگه، چشمه علی، سر مسجد، سر کوره‌ها و مال کریم نیز در طرف دیگر قرار داشتند. از عنوان کوچه‌ها نیز پیداست که شهر تقسیم شده به دو بخش کارگران و مهندسان نفتی خارجی و دیگر اقشار اعم از کارگران و مهندسان فارس و عرب بودند. پیروی ایجاد واحدهای مسکونی شرکت از حفر محل چاه‌ها و حلقه زدن خانه‌های غیر شرکتی به دور آنها باعث گردید که شهر در دامنه‌های ناهموار توسعه پیدا کند و شکل ویژه‌ای به خود بگیرد. در بهترین جای شهر، افراد ثروتمند و در بدترین جای شهر، افرادی با درآمد کم زندگی می‌کردند. این شهر در یک سده قبل بنیان گذاشته شد و انگلیسی‌ها بنیان‌گذاران اصلی این شهر بودند.^۴

شهرسازی مسجد سلیمان را شاید بشود از طریق سفرنامه‌ها که از منابع دست اول هستند، بهتر پی‌گیری کرد. سفرنامه ویلسون که از جمله همین منابع است، در مورد شهرسازی مسجد سلیمان در سال ۱۹۱۰ می‌نویسد: «پانزدهم ژوئن پس از یک سال، باز برای بازدید چاه‌های نفت، عازم مسجد سلیمان شدم و یک قسمت راه را برای اولین بار با اتومبیل و یک قسمت را با اسب رفتم. تغییرات و تحولاتی که در نتیجه کشف نفت در این حوالی به وجود آمده، حتی برای این جانب نیز حیرت‌آور بود. در صحرای سوزان و بایری که سابقاً کلاغ هم پر نمی‌زد، اینک جمعی عمده، کارگر، بنا، مهندس، معمار، آهنگر، تجار و غیره

۱. دانش عباسی شهنی، همان، ص ۱۰۶.

۲. محمود یآوری، همان، ص ۵۳.

۳. دانش عباسی شهنی، همان، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۴. محمود یآوری، همان، ص ۵۹-۵۳.

مشغول فعالیت هستند و ساختمان‌های جدیدالاحداث، دکان‌ها، مغازه‌های مختلف، انبارها و مخازن بزرگ، انسان را دچار تحیر می‌کند که چگونه محل بایر و ویرانی در فاصله کوتاهی از برکت محصولات نفتی این طور معمور، پر جمعیت و آباد شده است. دکتر یانگ، پزشک عالی‌مقام کمپانی، این روزها مشغله‌اش بیشتر است و عمارت بیمارستان را هم برای اینکه گنجایش بیشتری داشته باشد، توسعه داده، با کمال جدیت به معالجه و مداوای بیماران می‌پردازد.^۱

گفته‌های بالا بیشتر بر تأثیر شرکت نفت بر زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم مسجد سلیمان تأکید دارد، اما در لابه‌لای آنها به شهرسازی، ایجاد بیمارستان و ترکیب کارگران آنجا نیز می‌پردازد.

شاید بهتر باشد شکل‌گیری این شهر را از زبان کسروی در تاریخ پانصد ساله خوزستان نیز پی‌گیری کنیم. کسروی می‌نویسد: از سال ۱۳۲۷ ق که انگلیسی‌ها در میدان نفتون به حفر چاه‌های نفت پرداختند، کارگران از خوزستان و دیگر جاها آمدند و بدین سان در آنجا آبادی‌هایی پدید آمد. چون بایستی چند جای دیگر کارخانه بر پا نمایند، به هر کجا که کارخانه به پا ساختند، اگر ویرانه بود آباد گردید و اگر آباد بود آبادتر شد و آمد و شد کشتی‌ها در کارون بیشتر گردید و در همه جا جنبش دیگری پیدا گردید. اتومبیل و چراغ برق و دیگر ارمغان‌های اروپایی در آن جای یافت. چنان‌که گفتیم، نخستین آبادی که از رهگذر نفت در خوزستان پیدا شده، میدان نفتون است که امروز مسجد سلیمان نامیده می‌شود و جایی است در دامنه کوهستان بختیاری به درازای دو فرسخ که در بین دره‌ها می‌پیچد و در شرق شوشتر هشت فرسخ از آن دور است. انگلیسی‌ها در چند جا خانه و کوشک‌ها برای خودشان و کارگرانشان بالا آورده، بارها باز کرده و خیابان‌ها شوسه نمودند. نیز از رود کارون که ده فرسخ بیش دوری دارد، با تلمبه آب شیرین و پاک آنجا رسانیده. از گفته تیمس آوردم که هزار تن استاد اروپایی و آمریکایی و پنج هزار کارگر هندی و سی هزار کارگر ایرانی در آنجا کار می‌کردند. اگر سوداگران و بازاریان را هم به شمار آوریم، می‌توان گفت که از چهل و پنج تا پنجاه هزار مرد از شرقی و غربی در آنجا زندگی می‌کنند.^۲

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که مسجد سلیمان و بنیان شهری و شهرسازی این شهر بر اساس تماس فرهنگ‌ها با همدیگر بوده است. از آغاز تأسیس این شهر یکی از مهم‌ترین مراکز کار و فعالیت‌های اقتصادی و محلی برای تجمع جمعیت شد. از اطراف و اکناف کشور به این سو روی آوردند و به علت نبودن متخصص، کارشناس و افراد آشنا به فنون و تکنیک جدید از اروپا و آمریکا به این شهر وارد شدند که در اثر تماس و برخورد با افراد ایرانی، افکار و بعضی از عقاید و عادات آنان، ساکنین این شهر را تا حدی تحت تأثیر قرار داد و این امر باعث گردید که بر اثر تبادل فرهنگ‌ها با همدیگر، جامعه‌ای پیشرفته از نظر اجتماعی و صنعتی نسبت به سایر شهرهای ایران داشته باشد. ولی به هر حال در این شهر دو سبک زندگی مدرن اروپایی و زندگی با آداب و رسوم ایرانی در کنار یکدیگر متداول بود و برخی از خانواده‌ها نیز در این

۱. ویلسون، همان، ۱۵۴ و ۱۵۵.

۲. کسروی، احمد، تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران، سهند، ۱۳۷۳، ص ۲۱۶.

شهر زندگی می‌کردند که مختلطی از دو سبک زندگی را داشتند.

از بین شهرهای ایران نیز پس از کشف نفت در چاه شماره یک، عده‌ای بازاری و افراد متفرقه از قبیل دزفولی، شوشتری، ارمنی و اصفهانی وارد مسجد سلیمان شدند و به امور تجاری، بازرگانی و کارهای خدماتی در مسجد سلیمان اشتغال داشتند، خیلی از آنها با مالکین اصلی مسجد سلیمان پیوند خانوادگی برقرار کردند و در آن شهر ساکن گشتند.^۱

به نظر می‌رسد همچنان که پارسوماش، نخستین شهر آریایی قلمداد می‌شود و مسجد سلیمان پس از کشف نفت نیز از شرکت شهرهای سده اخیر تاریخ ما بوده است، به دنبال اطمینان از اقتصادی بودن کشف نفت مسجد سلیمان و حفاری زنجیره‌ای چاه‌های متعدد در منطقه، استقرار و اسکان در منطقه ضرورت یافت. در پی ضرورت اسکان و حسن تملک بر زمین، از آنجا که شرکت نفت ایران و انگلیس هر گونه ساخت و ساز را نیز ممنوع اعلام کرده بود، ساماندهی شهری، اولین منطقه نفت‌خیز خاورمیانه به طور کامل توسط انگلیسی‌ها صورت گرفت.

دیدگاه ذاتاً طبقاتی انگلیسی‌های صاحب سرمایه و تکنولوژی در کنار دور اندیشی امنیتی و سیاست جداسازی لایه‌های پرستلی موجب شد تا بخش‌های مسکونی شهر کاملاً طبقاتی طراحی شود. تفکیک میان مناطق مسکونی، مدیران و کارکنان ایرانی، از همان فلسفه طراحی نشأت می‌گرفت. جالب اینجاست که منطقه مسکونی کارکنان ایرانی و کارگران ایرانی از همان فلسفه طراحی نشأت می‌گرفت. منطقه مسکونی کارکنان اسکاتلندی شرکت که «اسکاج» خوانده می‌شدند نیز از منطقه مسکونی مدیران و کارکنان انگلیسی جدا بود، اما غیر انسانی‌ترین و ظالمانه‌ترین بخش اسکان شهری به طراحی مسکن قفس‌گونه کارگران ایرانی ارتباط پیدا می‌کرد. ساماندهی بازار نیز توسط شرکت نفت صورت می‌گرفت و وقتی چاه شماره یک به نفت رسید، امکان و نظم قوانین شهر به دست شرکت بود و در بازار برای کسبه مغازه درست می‌کردند و نرخ اجناس را هم انگلیسی‌ها تعیین می‌کردند.

در کل شهر- یعنی شرکت شهر که به سبب نفت ایجاد شده - اگر نفت نبود، شهری هم نبود و همه امکانات و تأسیسات ایجاد شده هم به خاطر خود انگلیسی‌ها بود.

احداث شهر آبادان

معماری شهری آبادان و رشد و نمو این شهر را می‌بایست در قبال تأسیس پالایشگاه آبادان بررسی کرد. آبادان پس از مطالعات فراوان و باتوجه به موقعیت جغرافیایی، پتانسیل‌های جذب جمعیت مناطق اطراف، پتانسیل‌های اقتصادی تأمین مواد غذایی برای کارکنان این شهر، وجود رودهای آب شیرین برای خنک‌کنندگی دستگاه‌های پالایشگاه و مصرف این آب برای کارگران و کارمندان شرکت نفت، عدم وجود مکان مناسب‌تری در مناطق نفت‌خیز برای ایجاد پالایشگاه، ورود و خروج کالا به کمک کشتی از آنجا و

۱. دانش عباسی شهنی، همان، ص ۲۲۰ و ۲۲۱.

نفوذ انگلیسی‌ها از گذشته در آن مناطق، برای تأسیس پالایشگاه انتخاب گردید.

با توجه به ساخت پالایشگاه آبادان - که سال‌های زیادی ساخت آن طول کشید - نیاز به نیروی کار ایرانی و خارجی بود و از آنجایی که پالایشگاه آبادان کپی‌برداری از پالایشگاه رانگون بوده، ساخت شهری آبادان و شیوه قرار گرفتن پالایشگاه در بافت شهری و شهرسازی آبادان، کاملاً تأثیر گذار بوده است. تمامی شهر آبادان و ساختمان‌های کارگران و کارمندان آن بر اساس چگونگی قرار گرفتن پالایشگاه تنظیم شده است و به همین سبب است که به آن می‌شود نام پالایشگاه شهر اطلاق کرد. بافت شهری و شیوه ساختمان‌سازی در شهر آبادان بر اساس رده‌های کارمندان بلندپایه تا دون پایه شکل گرفته بود و به نظر می‌رسد این سبک را انگلیسی‌ها از سایر شهرهای پالایشگاهی در اروپا یا مناطقی از آسیا که مشغول به کار نفت بودند، در آبادان پیاده کرده باشند.

خانه‌های مقامات ارشد شرکت نفت در آبادان که در بریم و بوآرده قرار داشتند، به صورت خانه‌های ویلایی چند طبقه با فواصل مشخص فضای سبز و امکانات بسیار عالی است این خانه شامل چند اتاق و یک دفتر کار نیز بوده است. به ترتیب وقتی که رده مقامات شرکت نفت پایین‌تر می‌آمد، سبک و حجم خانه نیز تغییر پیدا می‌کرد و به تبع آن خیابان‌ها نیز از عرضشان کاسته می‌شد. در ادامه خانه‌های کارمندی و در محلات پایین‌تر خانه‌ها و محلات کارگری وجود داشت که خانه‌های سی فوتی و بیست فوتی در آنجا ساخته شده بود و از سیستم تهویه خوبی برخوردار نبود. سبک خیابان‌ها و حتی سیستم فاضلاب آنجا نیز از نظر شهرسازی از سطح پایین‌تری نسبت به مناطق کارمندی برخوردار بود. امکانات رفاهی شهر آبادان بر اساس رده‌های کارمندان شرکت نفت طراحی شده بود. باشگاه‌ها و سینمای نفت درجه یک از آن کارمندان ارشد بودند و کارگران و کارمندان جزء نمی‌توانستند از این امکانات استفاده کنند، ولی در مجموع امکانات رفاهی با سطح پایین‌تر برای کارکنان شرکت نفت و پالایشگاه آبادان وجود داشت.

از دیگر موارد جالب توجه در سبک شهرسازی آبادان، خانه‌سازی به ترتیب ملیت‌ها و تنوع قومی بوده است. برای نمونه برای کارگران هندی مقیم آبادان خانه‌هایی به سبک خود آن مردم ساخته شده است و محله آنها به محله سبک لاین معروف است که به معنی محله یا ردیف سبک‌ها است. عریضی خیابان‌ها نیز بستگی به محلات داشت و محلات پر جمعیت کارگری با توجه به اینکه از وسایل حمل و نقل عمومی برای رفتن به سر کار استفاده می‌شد، دارای خیابان‌های عریض بود.

خانه‌های کارگری در بسیاری از موارد به پالایشگاه نزدیک‌تر بودند. بسیاری از کارگران شرکت نفت در روستاهای اطراف آبادان زندگی می‌کردند و سبک معماری این روستاها به مرور زمان و با مناسب شدن وضع اقتصادی آنها تغییر پیدا کرد. می‌شود مصداق این مهم را در روستاهای اطراف بهمن شیر، به خوبی مشاهده کرد.

با تأسیس پالایشگاه آبادان، مشاغل زیادی در آبادان ایجاد شد و بازار در آبادان شکل گرفت. بیشتر مسئولان این فروشگاه‌ها و افرادی که در کار تجارت مشغول بودند را اصفهانی‌ها، یزدی‌ها و افرادی از سایر استان‌های ایران تشکیل می‌دادند و چون سیستم معماری بازار و راسته‌های تجاری کمتر تحت

تأثیر شرکت نفت بوده است، سبک معماری بازارهای آبادان تا حدودی تأثیر پذیرفته از بازارهای ایرانی و شهرهای اطراف آبادان است.

اختلافات بر سر اراضی در مناطق نفت خیز بین بختیاری‌ها و شرکت نفت ایران و انگلیس

طبق ماده سوم امتیاز نامه داری، دولت ایران می‌بایست اراضی بایر خود را در هر جا که مهندسین صاحب امتیاز برای ایجاد بنا و تأسیس کارهای مورد نیاز لازم بدانند، به صورت رایگان به صاحب امتیاز واگذار کند و اگر اراضی مورد نیاز صاحب امتیاز دایر و زراعی باشند، صاحب امتیاز باید آنها را به قیمت عادلانه از دولت خریداری کند. دولت ایران همچنین به صاحب امتیاز حق می‌دهد که اراضی و املاک لازم و متعلق به دیگران را با رضایت صاحبان آنها و به قیمت عادلانه خریداری کند. اماکن مقدسه و جمیع متعلقات آن به شعاع دو بیست زرع مجزا و مستثنی از این قاعده هستند.^۱ با وجود مشخص شدن مسائل کلی زمین و حقوق مربوط به آن در این بند از قرارداد بیشتر اختلافات مربوط به مسائل ارضی، بعد از کشف نفت در مسجد سلیمان و توسعه شرکت نفت ایران و انگلیس به وجود آمد؛ البته پیش از کشف نفت نیز این اختلافات وجود داشته است، اما با توجه به اینکه هنوز نفت کشف نشده بود و مسائلی مربوط به لوله‌کشی و انتقال نفت از زمین‌های کشاورزی و زراعی مطرح نبود، ما شاهد اختلافات ارضی در سطح کمتری نسبت به دوره بعد از کشف نفت هستیم.

مشکل بعد از کشف نفت از آنجا آغاز شد که هنوز از توافق بین خوانین با رینولدز و دکتر یانگ در مورد مسائل مربوط به حفاظت از مناطق نفت‌خیز نگذشته بود که دو تن از خوانین بختیاری به نام‌های لطفعلی خان امیر مفخم و محمدجوادخان سردار اقبال در نامه به ویلانز willans، جانشین مدیر میادین نفتی شرکت نفت ایران و انگلیس، به اقدامات شرکت اعتراض نمودند و دلیل اعتراض آنها این بود که مطلع شده بودند شرکت نفت ایران و انگلیس علاوه بر احداث جاده، درصدد است تا خطوط لوله انتقال نفت احداث کنند و قصد دارد مقداری از اراضی زراعی بختیاری را به تصرف در آورد. از نگاه این خوانین، اقدام شرکت خلاف قرارداد بوده است، زیرا شرکت حق نداشت بدون رضایت صاحبان اراضی اقدام به احداث خط لوله کند. این دو خان مدعی مالکیت اراضی و راهداران بودند و به همین دلیل از ادامه کار جلوگیری کردند.^۲ لطفعلی خان و محمدجوادخان برای ویلانز افرادی ناشناخته بود و چون سر و کار شرکت نفت ایران و انگلیس با رؤسای بختیاری، یعنی صمصام‌السلطنه و سردار محتشم بود، آنها با تکیه بر قرارداد خوانین بختیاری، داری و سندیکای امتیازات معتقد بودند چون در قرارداد، پرداخت وجه و خسارات برای اراضی زراعی پیش‌بینی شده و قرار بر این بود که در صورت پیشامد هر گونه مشاجراتی راجع به تعیین میزان خسارت، موضوع به کنسول انگلیس در محمره ارجاع گردد، با توجه به این قرارداد، نباید مشکلی رخ می‌داد

۱. آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۶۹-۲۶۷۳-۲۴۰۰.

۲. ابطی، علیرضا، نفت و بختیاری‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

و خللی در کار پیش می‌آمد.^۱

در مجموع برای برطرف کردن مشکلات و حل مشکل گرامت و بهای اراضی، خوانین بختیاری یکی از افراد مورد اعتماد محلی به نام شیخ محمدحسین اهل مال میر را برای مذاکره با شرکت نفت ایران و انگلیس انتخاب نمودند. پس از ملاقات شیخ محمدحسین با رینولدز قرار بر این شد که قیمت هر جریب زمین کشاورزی را پنجاه تومان تعیین کنند، اما تأکید رینولدز بر قیمت سی تومان برای هر جریب زمین بود. شیخ محمد حسین نامه‌ای را نیز از سوی لطفعلی خان امیر مخم از خاندان حاجی ایلخانی و یوسف خان امیر مجاهد از خاندان ایلخانی برای رینولدز برد که در آن نامه به ظلم و تعدی افراد شرکت نفت به کشاورزان و مردم محلی، تعلل و تأخیر شرکت نفت رسیدگی به آسایش و رفاه طوایف ذکر شده بود. همچنین به بالاتر بودن قیمت زمین‌های کشاورزی نسبت زمین‌های چراگاه اعتراض شده بود و عنوان گردیده بود که چراگاه‌ها برای ایالات و دامپروری مهم‌تر از زمین‌های کشاورزی است. خوانین ذکر کرده بودند که ما به دلیل احساسات دوستانه خود نسبت به شرکت، توافق را پذیرفته‌ایم. خوانین انتظار داشتند که رینولدز پاسخی مناسب به آنها بدهد.^۲

اما پاسخ رینولدز به آنها بسیار محتاطانه و مبهم بود و او عنوان کرد که بدون اجازه شرکت نفت و مشورت با آنها قادر به هیچ نوع پاسخ‌گویی نیست و از آنها فرصتی را خواست که با رؤسای خود در لندن صحبت کند و به آنان گوشزد کرد کاری انجام ندهند که روابطشان به هم بخورد و قول داد که اگر تا یک ماه آینده اقدامی در جهت رفع مشکلات صورت نگرفت، آنها از کار جلوگیری کنند.^۳

رینولدز که در خلال اقامت شیخ محمدحسین، متوجه شده بود، خوانین خواستار دریافت پول و کمک مالی هستند. مقدار اراضی مورد نیاز شرکت را بر اساس جریب در میدان‌های نفتی همچون نفتون، تفتک و ... و زمین‌های لازم برای احداث خط لوله و جاده و لزوم تعیین محدوده آن را برای خوانین تشریح کرد و به اطلاع آنان رساند که شرکت نفت درصد است بهای این اراضی را یک‌جا و یک‌بار پرداخت کند؛ از این رو به آنها دو هزار لیبره معادل ده هزار تومان پیشنهاد کرد و از خوانین خواست تا برای رسیدن به توافق، از منطقه نفتی دیدن کنند.^۴

البته بسیاری از این اختلاف‌نظرها در مورد زمین را نیز نباید به مسائل سیاسی و ترفندهای طرفین در این مورد اختصاص داد، بلکه بسیاری از این موارد ناشی از سوء برداشت‌ها بین قوانین زمین در اروپا و ایران بوده است؛ همچنین در آن زمان وقتی قرارداد داری منعقد شد، تکلیف چراگاه‌ها و مسائل مربوط به آن - که جزء اصلی زمین‌های بختیاری بود - در مفاد مربوط به فروش زمین به داری به آن اشاره نشده بود.

1. Extract from letter from the Persian Agent of Anglo- Persian oil company, November 20, 1909, F.O. 416/42.
2. Consul Ranking to Mr.Marling. No 69, Inclosure 1, Ahwaz, May 18, 1910, F.O. 416/45 .
3. Ibid, No 69, Inclosure 2 and 3, F.O. 416/45 .
4. Mr Reynolds to Amirs Mofakham and Mujahid, No 69, Inclosure 4, March 16, 1910, F.O. 416/45 .

برای نمونه بر اساس دیدگاه طرف بختیاری منظور از اراضی کشاورزی، زمین‌هایی بود که در آن زمان زیر کشت نبودند، ولی در سال‌های قبل کشت شده بودند. چون در مناطقی که کشت به صورت دیم است، در برخی از موارد زمین برای آیش یا پربار شدن، یک یا چند سال کشت نمی‌شوند. این بدان معنی نیست که این زمین‌ها کشاورزی نیستند، اما شرکت نفت بابت زمین‌هایی پول پرداخت می‌کرد که سال‌های پی در پی آن‌ها کشت و کار صورت می‌گرفت.^۱

به نظر می‌رسد شرکت نفت چون بیشتر دست‌اندرکارانش انگلیسی بودند، طبق روال اروپا و شیوه رایج در کشاورزی اروپا قضاوت می‌کرد، اما خوانین بختیاری بر اساس عرف رایج در ایران، و شرایط کشت دیم در ایران به این مهم می‌پرداخته‌اند.

اما توافقات خوانین بختیاری با رینولدز از جانب رانکینگ، دیگر نماینده انگلیسی، زیر سؤال رفت و رانکینگ به دلیل بی‌اطلاع ماندن از محتوای مکاتبات با خوانین و گم‌شدن این مکاتبات از سوی طرف انگلیسی (رینولدز) ناراحت بود، زیرا بی‌اطلاعی و نداشتن سابقه مکتوب در مذاکرات، قدرت چانه‌زنی را به خوانین بختیاری می‌داد؛ همچنین رانکینگ از این سخن رینولدز - که خوانین بختیاری حق دارند تا اگر ظرف یک ماه جواب مکتوبی دریافت نکردند و مشکل آنها با شرکت نفت حل نشد، جلو کار شرکت را بگیرند - به شدت ناراحت بود و پرداخت سی تومان برای هر جریب از اراضی زیر کشت و پنج تومان در ازای هر جریب از اراضی قابل کشت را نیز نادیده گرفتن قرارداد ۱۹۰۵ بین خوانین و سندیکا می‌دانست.^۲ بنابراین پس از کش و قوس‌های فراوان و مذاکرات و مکاتبات طرفین، یک قرارداد مقدماتی در ربیع‌الاول ۱۳۲۸ / ۱۹۱۰ به امضای لوید اسکات و شرکا به نمایندگی از طرف شرکت نفت ایران و انگلیس و یوسف‌خان امیر مجاهد فرزند حسینقلی‌خان و لطفعلی‌خان امیر مخم فرزند امامقلی‌خان از خانواده‌های ایلخان و حاجی ایلخانی رسید. این توافق مقدماتی راه را برای یک توافق کلی و درازمدت باز کرد تا علاوه بر خاتمه دادن به اختلافات و دو طرف بختیاری و شرکت نفت در مورد اراضی، جلو هر گونه اعتراضی از طرف خوانین بختیاری گرفته شود. در عین حال، شرکت نفت خود از درگیری احتمالی با سکنه بومی و سایر مدعیان برهاند.^۳

شاید بهترین توصیف از چگونگی و روند پیشنهاد و حل مسائل ارضی را بشود در گزارش مفصل رانکینگ به سر جی بارکلی در مورد خرید زمین از بختیاری‌ها مشاهده کرد. در این گزارش آمده است: «در ادامه تلگرام شماره ۹ در تاریخ سوم می ۱۹۱۱. از مناطق نفت‌خیز، من افتخار دارم آن را برای هارتویث بفرستم و برای آن سفارت‌خانه نیز کپی ترجمه آن قرارداد - را که بین شرکت نفت ایران و انگلیس و بختیاری در مورد زمین منعقد شده - برایتان ارسال کنم. پیش از آنکه به خود قرارداد بپردازیم، نمی‌توانیم به جزئیات مهم و موارد مهم قرارداد به صورت مختصر اشاره کنیم.

1. Mr Marling to Sir Edward Grey, N0 69, Gulhak, June 24, 1910, F.O. 416/45.

2. Consul Ranking to Mr. Marling, No 69, Inclosure 1, Ahwaz, May 18, 1910, F.O. 416/45 .

۳. اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۶-۵۴-۱۳۲۸ ق.

در شش فوریه ۱۹۱۱ پیش از ترک اهواز، آقای گرینوی، مدیر عامل شرکت نفت ایران و انگلیس به دست من گزارش محرمانه‌ای داد که در مورد درخواست زمین بود و او گفته بود شرکت ما می‌خواهد با پرداخت ۲۳ تومان برای هر جریب زمین در میدان نفتک، میدان نفتون، تمبی که محل قرار گرفتن تلمبه فشار بود، خط لوله و جاده بکشد تا کار با سرعت بیشتر پیش رود. آقای دکتر یانگ، نماینده شرکت، با قدرت این کار را پیگیری می‌کرد. متأسفانه با وجود این، با در نظر گرفتن انجام کارها با سرعت بالا، شرکت برنامه مشخصی برای گرفتن زمین‌های مورد نظر ندارد و تخمین‌های بسیار نادرستی از طرف شرکت در این زمینه وجود دارد.

در هنگام ورود من به مناطق نفت‌خیز در ۱۳ آوریل و پیش از ورود به سرزمین بختیاری بود که من به نوعی ناهمسازگاری شدید در آنجا پی بردم. شک ندارم که برای ایجاد نظم در آنجا کاری صورت نمی‌گیرد، مگر آنکه برای این کار از نوعی نقشه استفاده کنیم.

نقشه راه که من بارها عنوان کردم، در حال ساخت است، ولی آماده نیست و در این روزها نیز آماده نمی‌شود. مگر اینکه از نقشه ناآماده که در اثر راهپیمایی با مداد کشیده شده است، استفاده کنیم، چون نقشه دیگری در دسترس نیست. تنها زمین‌هایی که واگذار شدند، می‌شود از آنها نقشه تهیه کرد. از جمله این زمین‌ها، زمین‌های قرار گرفته در میدان نفتون است و ما می‌توانیم در زمین‌های مربوط به خودمان و چادرهای آن، نقشه تهیه نماییم، در صورتی که بسیاری از زمین‌ها خارج از محدوده ما است. خوانین بختیاری در ۱۷ آوریل، به مناطق نفت‌خیز رسیدند و بعد از مشخص کردن حد و مرز زمینه‌ای که شرکت می‌خواهد به دست آورد، دو شبانه روز مشغول کار شدند و مذاکره در این زمین‌ها را انجام دادند.

من که در اینجا هستم، ممکن است بگویم ایده بسیار بزرگی پشت سر گرفتن این زمین‌ها از بختیاری‌ها نمی‌بینم و تا جایی که می‌دانم، ما مرز دو میدان را مشخص کردیم که در حدود ۲۵ مایل است خوانین بختیاری عنوان می‌کردند که شرکت نفت می‌تواند زمین کشاورزی را به قیمت هر جریب ۵۰ تومان از آنها بخرد و تپه‌ها و زمین‌های غیر مزروعی هر جریب پنج تومان قیمت دارد. با توجه به زمین‌های مورد نیاز شرکت نفت، مجموع قیمت زمین ۶۳ هزار لیره می‌شود، هر آن این احتمال وجود داشت که خان این مبالغ را نپذیرد و برای تمام زمین‌ها یک قیمت یکسان را قبول کند. بحث بر سر زمین‌های زراعی و غیر زراعی وجود داشت و باید یک طبقه‌بندی خاصی از آن صورت می‌گرفت. خوانین بختیاری اصرار داشتند این زمین‌هایی را که چند سال پیش نیز شخم زده‌اند، جزء زمین‌های زراعی به حساب آورند. همان طور در مورد تپه‌ها نیز خوانین بختیاری عنوان می‌کردند که این تپه‌ها چراگاه گله‌های آنها است و نمی‌توانند به صورت مجانی واگذار کنند؛ زمین‌ها را در صورتی واگذار می‌کنند که شرکت بهایی بابت آنها پرداخت کند و قراردادی را امضا نماید.

در این ارتباط، مسئله پرداخت بابت تپه‌ها بیشترین مباحثات را در بر می‌گرفت و از نقاط بسیار پر پیچ و خم گفت و گو بود؛ حتی می‌توانست مذاکرات را به تعطیلی بکشاند، چون این تپه‌ها از مناطق نفت‌خیز محسوب می‌شدند و مشکل بود، شکل توپوگرافی آنها را ترسیم کرد.

در ۲۳ آوریل، مذاکرات به وسیله دکتر یانگ با بختیاری‌ها شروع شد و خوانین بختیاری از پذیرش قیمت ۱۸ هزار لیره به عنوان بالاترین قیمت سر باز زدند. هنگامی که مذاکرات شروع شد، خوانین مبلغ ۲۵ تومان را برای هر جریب زمین پیشنهاد کردند و ۵ تومان را نیز برای مناطق تپه‌ای در نظر گرفتند که مجموع مبالغ به ۳۸ هزار تومان برای کل زمین‌ها می‌رسید. با شکست مذاکرات، خوانین مناطق نفت خیز را ترک کردند و ترس و وحشت با ترک زمین توسط خوانین، همه جا مستولی شده بود.

در ۲۳ ماه، فرصتی پیش آمد تا من با سردار محتشم به تنهایی صحبت کنم. این دیدار بعد از شام صورت گرفت و به او پیشنهاد دادم تا به لندن باز گردد. علاوه بر آن، از نفوذ من استفاده کند و طوری قرار داد ببندد که قیمت هر جریب زمین کشاورزی، بیست تومان مشخص شود و قیمت مناطق تپه‌ای نیز هر جریب ۳ تومان مقرر گردد. بعد از مباحثات دو سوم مناطق را تپه‌ها تشکیل می‌دادند و من به آقای سردار اسعد فشار آوردم که این نظر را قبول کند به این دلیل که بیشتر مناطق را تپه‌ها تشکیل می‌دادند و کمتر از دو سوم زمین‌ها را زمین‌های کشاورزی در بر می‌گرفتند. با وجود این، سردار محتشم این مسئله را مطرح ساخت که قرار داد باید مورد رضایت سردار بهادر جنگ نیز قرار گیرد و من باید شرایطی را فراهم کنم که میزان ۲۳ تومان برای تمام زمین‌ها، اعم از کشاورزی و تپه‌ای مورد تأیید قرار گیرد، اما سردار اسعد از دادن هر نوع قول به ما سر پیچی کرد و در این زمینه حتی با سردار بهادر هم مشورت نکرد.

صبح روز بعد، هنگامی که من خان را در بازدید از تلمبه‌خانه تمبی همراهی می‌کردم، آنها به صورت غیر رسمی موافقت کردند تا بمانند و با مقامات لندن نیز در این زمینه استعلاماتی را انجام دهند. جلسه بعد هنگامی که مسئله زمین در ۲۷ آوریل دوباره مطرح گردید، خوانین عنوان کردند که راجع به این موضوع فکر می‌کنند. آنها به صورت خیلی آرام با مبلغ ۲۴ هزار لیره موافقت کردند و در چنین وضعیتی، دکتر یانگ به من گزارش داد که اگر بتوانند خان‌ها را به ۲۲ هزار لیره راضی کنند، احتمال ایجاد توافق وجود دارد. روز بعد، خوانین را دیدار کردم و بعد از مباحثه با سردار محتشم موافقت گردید تا مبلغ گفته شده را مورد تأیید قرار دهند و قرار شد مبلغ بیست هزار لیره را بابت زمین‌ها و مبلغ ۲ هزار لیره به خود سردار بهادر پرداخت کنند. سردار بهادر نیز قبول کرد و نماینده خوانین برای ایجاد مذاکرات حاضر شد. مسئله قیمت زمین‌ها حل گردید.

روز دیگر من به نزد او رفتم تا ۱۵ هزار لیره را پرداخت کنم که جمعاً از بیست هزار لیره، ۵ هزار لیره آن پرداخت شده بود. اکنون طبق این موافقت نامه، نخستین مرحله از پرداخت اقساط به دست آمد و همچنین ۱۶۱۳۱۳۸ اکریا بیشتر از ۹/۵ مایل مربع از زمین‌ها در قبال پرداخت ۲۰ هزار لیره به دست آمده بود که می‌بایست ۵۱۲ قران بابت هر جریب زمین پرداخت می‌شد. اول می‌پیش از امضای قرارداد یکی از افراد قبایل که زمینش جزء متصرفات شرکت شده بود، عنوان کرد که در حال حاضر، شرکت باید عواقب خیلی از کارها را بپردازد و عواملی که در این نظام دهی مهم بودند، عبارتند از: ۱- ایجاد نظم برای تمام قبایل؛ ۲- ایجاد نظم در میان قبایل بتوند؛ ۳- گرفتن یک تعهد از خوانین در قبایل ادعاهای خاندان قبلی در مسجد سلیمان؛ ۴- ایجاد نظم در قلمرو حیدر آقا بارسا که تحت قلمرو خوانین بود و تعهد گرفتن‌های این

گونه توسط شرکت از خوانین که همه آنها توسط دکتر بانگ، نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس، مطرح می‌شد. این نکته عنوان شده بود که آقا حیدر به عنوان سردسته گارد حفاظت منصوب شود و امیدوار بود که این انتصاب بر کارکرد ایجاد نظم، مفید واقع گردد.

در نتیجه‌گیری احساسات عمیق‌تر را در ارتباط با دکتر جی بی اسکات، رئیس بخش اداره هند ابراز می‌دارم. او خدمات زیادی برای شرکت نفت ایران و انگلیس انجام داده، در طول مذاکرات کمک‌های زیادی کرده و همه مسائل و مشکلات را با آوردن نقشه بر طرف کرده است. با مساعی او بود که مذاکرات به سرانجام رسید و بدون او، کار آغاز نمی‌گردید. همچنین تشکر ویژه دارم از آقای دکتر بانگ، برای تمام کمک‌های که به من کرده است.

جالب است که مدیر شرکت نفت در مباحثاتش با من عنوان کرد که با ۵۰ هزار لیره، خرید زمین انجام می‌شود. این کار در باکو ۵۰۰ هزار لیره خرج در بر داشته است؛ همچنین سردار اسعد در طول مذاکرات، رفتار جوانمردانه را اجرا کرده است. با وجود این، من انتظار داشتم آنها در مقابل یوسف خان امیر مجتهد احساسات خود را کنترل می‌کردند. در سراسر مذاکرات تأکید روی این مسئله بود که حقوق تمام خوانین بختیاری مورد توجه قرار گیرد و بعد از عقد قرار داد، مشکل زیادی در این زمینه وجود نیاید.

آر جی رانکینگ، نایب کنسول و نماینده مقیم اهواز^۱

همچنان که از سند فوق بر می‌آید، رانکینگ تمام جوانب قضیه را در مورد شیوه قرارداد با بختیاری‌ها عنوان می‌کند و حتی به در نظر گرفتن منافع بریتانیا در این مورد اشاراتی دارد و نشان می‌دهد که با چه شیوه‌ای می‌توان با خوانین بختیاری به تعامل رسید و از آنها امتیازاتی را با کم‌ترین هزینه نمود نماید. مسئولین شرکت نفت و به ویژه مدیر عامل این شرکت نیز پس از انعقاد قرارداد که در ادامه خواهد آمد، از اقدامات و تلاش‌های صورت گرفته به وسیله رانکینگ تشکر کردند.^۲

در مجموع در همان قرارداد مقدماتی، طرفین ذی‌حجه سال ۱۳۲۸ ق / فوریه ۱۹۱۱ را برای برگزاری اجلاس و مذاکرات نهایی تعیین کرده بودند، ولی قرارداد به تعویق افتاد و بالاخره پس از کش و قوس‌های فراوان در روز ۱۱ ماه می سال ۱۹۱۱ / جمادی الاول ۱۳۲۹، قرارداد نهایی توسط جعفرقلی خان سردار بهادر، غلامحسین خان و جعفرقلی خان سردار بهار، غلامحسین خان سردار محتشم، نماینده شرکت نفت بختیاری امضا شد شرکت بهره‌برداری اولیه رسید و مفاد این قرار به شکل زیر است:

بند اول: فروش تمامی ارضی میدان نفتون، نفتک و تامبی.

بند دوم: واگذاری این اراضی با تمام متعلقات و چشمه و آب و هر چه در آن یافت شود به کمپانی نفت بختیاری و کمپانی ابتدایی به مبلغ ۲۲۰۰۰ لیره.

بند چهارم: تقسیط مبلغ مورد معامله و پرداخت قسط اول به مبلغ ده هزار لیره در اول ماه ژوئن.

1. Consul Ranking to sir G Barclay, Enclosure1 in No 7, Ahwaz, May 7, 1911, F.O. 416/49.
2. Anglo- Persian oil company to foreign office, No159, Winchester house, Old Broad Street, London, July 24, 1911, F.O. 416/49.

بند پنجم: پرداخت قسط دوم مبلغ مورد معامله به ارزش پنج هزار لیره در اول ماه سپتامبر.
بند ششم: پرداخت مبلغ دو هزار لیره به سردار محتشم و سردار بهادر به عنوان وکیل و تعیین اصفهان محل پرداخت.

بند هفتم: دارا بودن حق مالکانه بر اراضی و ملک قلمداد کردن آن اراضی برای شرکت و حق تصرف حفر چاه و نصب آلات کارخانه و بنای عمارات و عمل زراعات و احداث باغ.
بند هشتم: تمام حقوقی که به موجب قرارداد ثابت شده تا زمان انقضای مدت امتیاز باقی خواهد بود و پس از اتمام مدت امتیاز اراضی با عمارات عاید خوانین خواهد بود.
بند نهم: هیچ یک از [افراد ایل بختیاری] حق معارضه یا ایجاد مانع ندارند و خوانین ضامن پرداخت هر گونه خسارت خواهند بود.

بند دهم: اگر در آینده خوانین ادعای غبن در باب زمین نمایند، ادعای آنها باطل است.
بند یازدهم: هیچ یک از افراد ایل بختیاری، حق سکونت، فلاحت و چراندن حیوانات و مواشی خود را ندارند و در صورت بروز چنین امری و وارد شدن هر گونه خسارتی، خوانین مکلف به جبران خواهند بود.
بند دوازدهم: نقشه‌های مربوط به اراضی در دو نسخه مرتب شده است.
بند سیزدهم: از دو نقشه تنظیم شده یکی نزد کمپانی و دیگری با امضای کمپانی نزد خوانین خواهد بود.
بند چهاردهم: زمین مخصوص به لوله آهن و تلفن دارای مساحتی به طول هفده میل انگلیسی و دوازده یارد انگلیسی و زمین مخصوص عبور گاری از ابتدای میدان نفتون تا حدود بختیاری و ۲۵ میل طول و یازده یارد عرض خواهد بود.^۱

از این قرارداد و قراردادهای دیگر، چنین مستفاد می‌شود که صنعت نفت در ایران با توجه به گذر زمان نیازمند به قراردادهای جدید با مفاد جدید بود، زیرا نمی‌شد برای سال ۱۹۰۵ مسائلی که ممکن بود در سال ۱۹۱۱ در مورد اراضی و غیره پیش بیاید، پیش‌بینی کرد و با گذر زمان و کشف نفت مواردی پیش آمد که مفاد قراردادهای اولیه را زیر سؤال برد و به عبارت دیگر، مفاد قراردادهای قبلی مانند قرارداد ۱۹۰۵ نمی‌توانست با شرایط سال ۱۹۱۱ راجع به زمین، لوله‌کشی نفت، ایجاد خط تلفن و غیره تطبیق کند. با کشف نفت به منظور تسهیل در فروش نفت، احتیاج به زمین جهت لوله‌کشی و خطوط تلفن پیدا کرد، لذا می‌بایست شرایطی که در قراردادهای گنجانده می‌شد به روز باشد و مسائل جاری را نیز در برگیرد. تا پیش از کشف نفت، قیمت زمین در نواحی جنوب غربی ایران بسیار پایین بود و اگر کسی صاحب زمین در مناطق دور افتاده بود، زیاد به آن فکر نمی‌کرد، چون ارزش مالی زیادی نداشت، اما همین که قیمت زمین ارتقا پیدا کرد، افراد برای وجب به وجب زمین خود ارزش قائل شدند و در این حین خوانین نیز که اطلاعات بیشتری از قیمت زمین داشتند، زمین بسیاری از رعایا را به قیمت ارزان‌تر می‌خریدند و به شرکت به مبالغ گران‌تر

۱. آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره

240022364؛ Land agreement With the Bakhtiari khan, Enclosure2 in No 7,1911, F.O. 416/49.

می فروختند و علاوه بر آن، خیلی از زمین‌های بایر را که در قرارداد داری می‌بایست به صورت مجانی در اختیار شرکت نفت قرار می‌گرفت، به عنوان چراگاه دام یا شخم زدن به شرکت نفت می‌فروختند. شرکت نفت ایران و انگلیس نیز که متوجه این کار خوانین شده بود، با دقت و با نظر کارشناسانه، زمین‌ها را بازبینی کرده، سپس مبالغی به خوانین پرداخت می‌کردند.

آنچه بیشتر در این قرارداد نهایی به چشم می‌خورد و مربوط به تأثیر نفت بر تاریخ اجتماعی ماست، مسئله روند جامعه بختیاری از کشاورزی و دامپروری به سوی صنعت است، بند یازدهم و هفتم این قرارداد به خوبی نشان می‌دهد که خیلی از چراگاه‌ها و مزارع در مسیر خط لوله نفت و مناطق حفاری قرار گرفته است؛ بنابراین نیروی کار آنها نیز تغییر کاربری داده، به جای اشتغال در کشاورزی و دامپروری وارد شرکت نفت شدند یا به نیروهای کاری که حفاظت و حراست از سرزمین‌های نفتی را بر عهده داشتند، ملحق گردیدند. بسیاری از آنها نیز به مناطق دیگر مهاجرت کردند و در آن مکان به ادامه کار دامپروری و کشاورزی پرداختند.

چون قبایل و ایلات دارای پیوستگی‌های زیاد با همدیگر در مناطق اطراف بودند، در خیلی از موارد پس از واگذاری زمین به شرکت نفت، شاهد مهاجرت‌های درون منطقه‌ای هستیم و بسیاری از خوانین و افراد عادی نیز که زمین‌های خود را به شرکت نفت فروختند، شهرنشین شده، به کارهای خدماتی و تجاری با پول حاصل از فروش زمین‌ها پرداختند؛ بنابراین می‌شود در یک ارزیابی کلی، عنوان کرد که شرکت نفت ایران و انگلیس فراتر از تاریخ سیاسی مناطق نفت‌خیز و در مجموع ایران بر تاریخ اقتصادی و اجتماعی این مناطق نیز تأثیر فراوانی داشته است. شاید شهرنشینی و رشد جمعیت شهری در مناطق نفت‌خیز در سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۴، گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی و روند تحول صنعت نفت در ایران باشد که کمتر در منابع به آن اشاره شده است.

در این بین به شکایاتی که از طرف مردم مناطق نفت‌خیز نسبت به تصرف زمین‌های آنها و واگذاری این زمین‌ها به صورت اجاره به شرکت نفت وجود داشت نیز باید اشاره کرد. از جمله این شکایات، شکایت مردم شوشتر است که طی نامه‌ای مورخه ۵ سرطان ۱۳۲۸ به مجلس شورای ملی مطرح شده است. در این نامه چنین آمده است: چند نفر از اهالی شوشتر تلگرافاً به مجلس مقدس شورای ملی تظلم نموده‌اند که خوانین بختیاری اراضی اطراف معادن نفت مسجد سلیمان ملکی آنها را به کمپانی نفت به خلاف حق اجاره داده‌اند؛ لزوماً استعمال می‌شود تفصیل چیست و اراضی مزبور را در صورتی که متعلق به آنها بوده است، خوانین بختیاری به چه مناسبت اجاره داده‌اند. مراتب را تحقیقاً اطلاع بدهند و هر اقدامی هم لازم است، در احقاق حق آنها به عمل بیاید.^۱

در یک ارزیابی کلی در مورد روابط شرکت نفت و بختیاری‌ها می‌توان گفت که در مجموع سه فقره قرارداد بین بختیاری‌ها و شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد گردید. قرارداد اول مربوط به سهام شرکت بود

۱. آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۶-۲۹۳۰۰۵۸۶۳.

که به موجب آن، خوانین بختیاری را در امور شرکت سهامی می‌ساخت و به همین منظور شرکت نفت ایران و انگلیس یک شرکت تابعه‌ای به نام شرکت بختیاری با مسئولیت محدود را به وجود آورد. قرارداد دوم راجع به خرید اراضی بود که هر سال، شرکت اراضی مورد لزوم را که در حدود خاک بختیاری نیاز داشت، از خانواده ایلخانی و حاجی ایلخانی به قیمت مشخصی خریداری می‌کرد. این دو که خود را نمایندگان دولت قلمداد می‌کردند، متعهد بودند وجه آن را به صاحبان حقیقی بدهند و اگر اراضی متعلق به یکی از خوانین بود، وجه آن را با کم و کسر کردن معمول خودشان به او می‌پرداختند. اگر خانی پیدا نمی‌شد که خود را مالک اراضی مزبور معرفی کند، قیمت اراضی جزو درآمد ایلخانی و حاجی ایلخانی محسوب می‌گردید.

قرارداد سوم درباره حفاظت محل بود که ایلخانی یکی از خان‌زاده‌ها را به عنوان سر مستحفظ شرکت معرفی می‌کرد و عده‌ای مستحفظ و تفنگچی را نیز به منظور حفاظت به او می‌داد. شرکت حقوقی به سر مستحفظ، مستحفظ و تفنگچیان می‌پرداخت و آنها امنیت ناحیه را حفظ می‌کردند. این سر مستحفظ در ضمن حاکم محل بوده، در همه کارهای حقوقی و جزایی به رسم معمول قدیم در ایران عمل می‌نمود.

سند شماره ۱

سواد مراسله وزارت خارجه به وزارت فوائد عامه

نمره ۳۲۱۵ به تاریخ ۱۱ صفر ۱۳۲۸

راپورتی از کارگزاری عربستان در باب رفتن کارگزار به بریم واقع در جزیره عبادان در محل عملیات کمپانی نفت است به وزارت خارجه رسیده بود که سواد آن در محل لایحه نمره ۲۱۷/۲۱۲۴ به آن وزارت جلیله ارسال داشت تا به هر طور صلاح بدانند، به کارگزار نوشته شود. تا کنون جوابی نرسیده و انتظار جواب دارد. سعد الملک سواد مراسله وزارت فوائد عامه به وزارت جلیله امور خارجه

نمره ۱۵۶۸ بتاريخ ۱۱ محرم ۱۳۲۸

مرقومه شریفه در تحت نمره ۱۱۷۶ راجع به کمیسری نفت محتوی سواد مراسله سفارت انگلیس است وصول یافت کمیسری نفت کماکان با صدیق السلطنه است و مشارالیه در مأموریت خود برقرار است.

سواد مراسله وزارت امور خارجه به وزارت فوائد عامه

نمره ۱۱۷۶ به تاریخ ۴ محرم ۱۳۲۸

مراسله از سفارت انگلیس در باب کمیسری به وزارت خارجه رسیده است که سواد آن را لفاً ارسال داشت تا به هر طور تصویب می‌فرمایند، وزارت خارجه به سفارت خواسته بدهد. علاءالسلطنه

سواد مراسله وزارت امور خارجه به وزارت فوائد عامه

۲۴۰۰۱۴۶۵۴-۷۱

سند شماره ۲

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت پست و تلگراف

نمره کتاب ثبت ۱۳۰۴

کارتن ۴

ضمیمه ندارد

به تاریخ ۷ حوت سلخ ربيع الاول تخاقوئیل ۱۳۳۲

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه به نمره (۲۰۲۱/) به ضمیمه سواد مرقومه وزارت جلیله داخله و تلگراف تظلم و شکایت اهالی محمره از اجزاء و اداره نطق عز وصول بخشید. گمان می‌کنم وزارت جلیله داخله بعد از وصول این تظلم می‌بایست به توسط حکومت جلیله مسئله را تحقیق و احقاق حق فرمایند و اگر طرف تظلم رعایای خارجه هستند در همان محل کارگزاری هست به مداخله کارگزاری احقاق حق می‌شد، در صورتی که کار گزار از عهده برنیاید، به وزارت جلیله امور خارجه مراجعه می‌نمودند.

امضاء: علی

امضاء: ناخوانا

۲۴۰۰۰۵۷۳۸-۲۲۰

سند شماره ۳

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فوائد عامه

اداره کابینه

نمره ۱۳۰۴

مورخه ۳۰ شهر ربيع الاول ۷ برج حوت اودئیل ۱۳۳۲

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه به نمره ۲۰۲۱- به ضمیمه سواد مرقومه وزارت جلیله داخله و تلگراف تظلم و شکایت اهالی محمره از اجزاء اداره نطق عز وصول بخشید گمان می‌کنم وزارت جلیله داخله بعد از وصول این تظلم می‌بایست به توسط حکومت محلیه مسئله را تحقیق و احقاق حق فرمایند و اگر طرف تظلم رعایای خارجه هستند در همان محل کارگزاری هست به مداخله کارگزاری احقاق حق می‌شد، در صورتی که

بررسی اسنادی از توسعه شرکت نفت ایران و انگلیس / محمد حسن نیا

کارگزار از عهده برنیاید، به وزارت جلیله امور خارجه مراجعه می‌شود. حاشیه پایین سند: در صورتی که به دقت ملاحظه شود، شکایت مزبور به هیچ وجه عملیات نفاذ راجع نیست تا وزارت فواید عامه در آن باب اقدامات نماید. موضوع شکایت از مسائل حیاتی است که باید در محل به توسط حکومت محل و کارگزاری با نماینده دولت انگلیس سواد وجوهات تصفیه شود.

امضاء: ناخوانا

۲۴۰۰۰۵۷۳۸-۲۲۱

سند شماره ۴

هو

استخراج تلگراف رمز از محمره

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل امجد اشرف افخم بندگان آقای مشیر الدوله وزیر امور خارجه مدظله نظر به اظهارات شفاهی و کتبی قونسولگری در فقره حمل جنس به خارجه به تاریخ نوزدهم جمادی الاول نمره خصوصی بیست و یکم ماه مزبور در طی تلگراف رمز و به تاریخ سیم جمادی الثانی نمره خصوصی باز کتباً عرض شده و تا کنون جواب نرسیده و تکلیف مشخص نگردیده و این فقره باعث دلشکستگی و یأس قونسولگری از کارگزاری شده و خودشان مستقیماً با حکومت در مذاکره و قرار هستند. مستدعی است لامحاله حکم موکد تلگرافی به حکومت عربستان بفرمایند قدغن جنس بنمایند یا به همه حال به استصواب و اطلاع کارگزاری باشد و تبعه‌های خارجه را در این باب و عمل هوتس و کمپانی نطف و غیره و غیره کلیه به کارگذاری مرجوع نمایند و بدون استحضار کارگزار در کار خارجه اقدامی نکنند که خارج از تعهد و فواد اسباب زحمت و مسئولیت نباشد. ۷ رجب فدوی

اعتلاء الدوله

۱۰ رجب ۱۳۲۳

۱۳۲۳-۱۹-۱۸-۶ ق

سند شماره ۵

وزارت امور خارجه

اداره تحریرات انگلیس

به تاریخ ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۲۹

نمره عمومی ۶۶۰۶

نمره خصوصی ۹۵۲

کارتن ۳۰

دوسیه ۱

نوع مسوده: حکم به کارگزاری عربستان

موضوع مسوده در باب تأسیس کارگزاری شوشتر و اهواز و عبادان و محاکمه بین ایرانی‌ها که کمپانی در بریم نمایند.

ضمیمه ندارد

پاکنویس کننده: ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۹

از مندرجات راپرت نمره ۱۱۸ آن کارگزاری راجع به لزوم تأسیس کارگزاری‌ها در شوشتر و مسجد سلیمان و اهواز و عبادان استحضار حاصل شد در نظامنامه و بودجه جدید وزارت خارجه که در دست اقدام است، توجه به این مسئله شده و به نقاطی را که وجود کارگزار لازم بوده است، منظور شده است؛ اما قبل از گذشتن بودجه و اجرای نظامنامه اقدامی نمی‌توان کرد و این که نوشته‌اید کمپانی نفت (در بریم محکمه و چوب فلک راه انداخته است و دعاوی و تنازعات بین اتباع ایران و غیره را خودشان فیصل و ختم می‌کنند و هرکسی را مقصر بدانند چوب و شلاق می‌زنند و حبس می‌نمایند آیا از طرف کارگزاری در این باب اعتراض و اقدامی شده است یا نه و اگر شده است و بلانتيجه مانده، عجب است که راپرت نداده‌اند و اگر هنوز اعتراض و اقدامی نکرده‌اند، سکوت شما عجیب خواهد بود. لازم است فوراً با قونسولگری مذاکره کرده، از این اقدامات جلوگیری نمایند. در صورتی که اقدامات شما مؤثر نشد، راپرت جامع الاطراف بدهد تا در اینجا اقدام شود.

امضاء: عبدالله

۲۳-۱-۳۰-۱۳۲۹ ق

سند شماره ۶

وزارت امور خارجه

اداره تحریرات انگلیس

به تاریخ غره جمادی الثانی ۱۳۲۹

نوع مسوده در باب تسویه کارهای کمپانی نفت در عبادان

ضمیمه ندارد

پاک نویس کننده: معز دیوان ۲۲ بع الثانی ۱۳۲۹

از مدلول راپرت نمره ۱۳۶ آن کارگزاری استحضار حاصل شد اینکه نوشته‌اید قونسولگری‌های انگلیس در عربستان کارهای خودشان را عموماً و مأمور راجعه به کمپانی نفت را خصوصاً اغلب بلاواسطه با اهالی قطع و فصل می‌کنند و شما هم... کرده‌اید که معامله به مثل کنید. اولاً لازم است که کلیه در این موضوع یعنی تسویه کارها که بدون مراجعه به کارگزاری اقدام می‌کنند به قونسولگری مذاکره کرده قرار بدهید که من بعد اینطور اقدام نماید. ثانیاً اینکه تمام بی واسطه قونسولگری در امور راجعه بکمپانی اقدام نماید. اگر به طور خصوصیت در خیانت طرف باشد بی‌ضرر است و الا غلطی را مصحح غلط دیگر قرار دادن می‌باید کار را طوری مرتب نموده که از مجاری قانونی گذشته اسباب زحمت و اشکال نشود.

امضاء: ناخوانا
امضاء: عبدالله
۱-۳۸-۳۰-۱۳۲۹ق

سند شماره ۷

نشان تاج و شیر و خورشید
کارگزاری کل عربستان و شط العرب
و مدیریت سیر سفاین در شط کارون
اداره مهام کارگذاری

مورخه ۲۹ شهر صفر المظفر سنه ۱۳۲۹

نمره عمومی ۵۳۱ خصوصی ۱۳۶

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

طوری که مکرر به عرض رسانده است قونسولگری‌های انگلیس در عربستان کارهای خودشان را عموماً و امور راجعه به کمپانی نفت را خصوصاً اغلب بلاواسطه و بالمستقیم با اتباع این دولت علیه تسویه می‌کند و نمی‌توان یقین کرد که در این مسلک مقاصد پلتیکی نداشته باشند. علی‌هذا بر اینکه هم معامله متقابه شده و حتی الامکان از منظور پلتیکی و مشکلات تراشی‌های آنها احتراز شده باشد اگر تصویب بفرمایید کارگزاری نیز با کمپانی و اتباع آنها همین... کند و امید است همان نحو که قونسولگری‌ها از آن طریق می‌خواهند به آمال خودشان برسند کارگزاری هم از این راه بهتر بتواند حفظ حقوق نماید آشکار و مسلم است وقتی که کارگزاری با کمپانی یک کاری را تمام کنند، دیگر محل مداخله برای قونسولگری نمی‌ماند نهایت اگر زمانی نگویند رسمیت ندارد. پس آنچه را نیز آن‌ها بدون استحضار کارگذاری و مامورین دولتی کرده اند در عین آن حالت و باز برای این طرف مصلحت خواهد بود تا چه حکم فرمایند.

امضاء: ابن موسی حسین

۱-۴۲-۳۰-۱۳۲۹ق

سند شماره ۸

نشان تاج و شیر و خورشید
کارگزاری کل عربستان و شط العرب
و مدیریت سیر سفاین در شط کارون
اداره مهام کارگزاری

مورخه ۸ شهر صفر سنه ۱۳۲۹

نمره عمومی ۴۹ خصوصی ۱۲۲

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

به موجب اخباراتی که به این کارگزاری رسیده است در مسجد سلیمان و حوالی آن که چشمه نفت و کمپانی به کار مشغول است، تاکنون قریب ده چاه حفر شده و نطف اغلب از آنها هم زیاد است و به قراری که رؤسای کمپانی می گویند، از معادن نفت بسیار خوب دنیا است و هرچاه که نطف زیاد بدهد، تقریباً در روز بیست هزار تومان عواید دارد و به این حساب تخمیناً روزی دویست هزار تومان می شود و بالفرض که نصف آن نیز باشد، باز صد هزار تومان خواهد شد که صدی شانزده که به موجب امتیازنامه بایست عاید دولت گردد. روزی شانزده هزار تومان می شود و در سال یازده کرور و دویست و شصت هزار تومان خواهد بود. تقریباً هشت ماه دیگر نطف به (بریم) و ساحل شط العرب خواهد رسید و شروع به فروش خواهد گردید و در معنی یک عواید خیلی عمده خواهد بود و معهداً هرگاه لزوم به استقراضی هم باشد، کمتر و کمتر تاغیاتی بهتر از آن خواهد شد.

با شروح معروضه فوق واضح است اولیای امور در مقاصد مشروع این کمپانی در این مساعدت نمی فرمایند و مأمورین نیز نمی خواهند مخالفت نمایند، ولی البته کمپانی هم باید رعایت صلاح خود دولت را بکند و حوائج مهمه که دارد به هر وسیله می خواهد به عرض برساند و پس از اطلاع و تحصیل اجازه با تسهیلات دولت و مأمورین دولت اقدام نماید و تشبثات خودسرانه را کنار بگذارد که برای طرفین اسباب زحمت نباشد و کمپانی تجارتی حکم کمپانی پلتیکی را پیدا نکند و به مشکلات مصادف نشود و دیگر تا اراده مطاعه چه فرماید.

ابن موسی حسین
۱۳۲۹-۳۰-۱-۷۰

سند شماره ۹

نشان تاج و شیر و خورشید
وزارت امور خارجه
اداره انگلیس
کارگزاری

در باب اراضی خران و کندزلو کراراً به شما تلگراف شده و تاکنون نتیجه به ظهور نرسیده. شرحی را هم در نمره ۱۳۱ نوشته بودید مربوط به این مسئله نبود، زیرا که سید جعفر نامی را طرف قرار داده و نیز اشعار داشته بودید که کمپانی در اراضی مذکور دخالت ننموده است، در صورتی که اراضی خران و کندزلو به موجب فرمان متعلق به آقا سید محمد باقر کمپانی نفت در اراضی مزبور مشغول به کشیدن لوله شده و نزدیک به اتمام است؛ البته هرچه زودتر قراری که لازم است برای اجاره اراضی با کمپانی و حاجی رئیس که وکیل و مستاجر آقای سید محمدباقر است داده و از نتیجه وزارت خارجه را مستحضر دارید خیلی محل تعجب است؛ این کار جزئی را متجاوز از یکسال است انجام نداده و وزارت خارجه را به زحمت تظلم معزی الیه باقی گذاشته‌اید پس از کارگزاری چه نتیجه مرتب و از کفایت شما چه فایده‌ای حاصل است.

امضاء: ناخوانا
مهر: ناخوانا
۱۳۲۹-۳۰-۱-۷۶ ق

سند شماره ۱۰

نشان تاج و شیر و خورشید
وزارت امور خارجه
نمره کتاب ثبت ۳۲۱۵
کارتن ۵۴ دوسیه ۶
تاریخ خروج ۱۱ صفر ۱۳۲۸
ثبت کاغذ به وزارت فوائد

رابطی از کارگزاری عربستان در باب رفتن کارگزار به بریم واقع در جزیره عبادان که محل عملیات کمپانی نفت است به وزارت خارجه رسیده بود که سواد آن را در ضمن لایحه نمره ۲۱۷/۲۱۲۴ به آن وزارت جلیله ارسال داشت تا به هر طور صلاح بدانند، به کارگزار نوشته شود. تا کنون جوابی نرسیده و انتظار جواب دارد.

ثقة الملك
مهر: وقایع نگار
۱۳۲۸-۵۴-۶-۱۳ ق

سند شماره ۱۱

نشان تاج و شیر و خورشید
وزارت امور خارجه
کارتن ۵۴ دوسیه ۶
تاریخ خروج ۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۸
ثبت استخراج تلگراف رمز از محمره

حضور حضرت اجل آقای ثقة الملك معاون وزارت جلیله امور خارجه مدظله یک هفته برای سرکشی به اهواز و مسجد سرا که معدن نفت آنجاست عازم خواهد شد و تا یک هفته الی ده روز مراجعت خواهد کرد. امید که این مسافرت عاجزانه برای دولت و ملت بی فایده نباشد به هر صورت بدیهی است التفات و مقامات منیعه وزارت جلیله و وزارت فوائد عامه را مستحضر خواهند فرمود و هر فرمایش که باشد، زودتر به محمره یا توسط تلگراف خانه ناصری ابلاغ می فرمایید.
شانزدهم جمادی الاول چاکر (اعتلاء الدوله حسین)

۳۱-۶-۵۴-۱۳۲۸ ق

سند شماره ۱۲

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فوائد عامه

اداره معادن

مورخه ۲۷ ربیع الآخر ۱۳۲۸

نمره ۲۱۶۸

وزارت جلیله خارجه

مرقومه شریفه نمره (۱۰۸۲) حاوی سواد تلگراف کارگزاری محمره راجع به کمپانی نفت شرف وصول یافته. اطلاع حاصل گردید لازم است از آن وزارتخانه محترمه به کارگزار تأکید فرمایید که صورت قرارداد سردار ارفع با کمپانی را زودتر بفرستید؛ نقشه را هم که کارگزاری اظهار داشته، اواخر محرم به وزارت خارجه فرستاده، ارسال فرمایید که دیده شود. چنانچه مستحضر بشود و لازم باشد، ثانیاً عودت داده خواهد شد

امضاء ناخوانا

مهر ناخوانا

۳۸-۶-۵۴-۱۳۲۸ ق

سند شماره ۱۳

مطابق سندی که جدیداً کمیسر معادن نفت از کمپانی تحصیل و سواد آن را فرستاده است. کمپانی قبول کرده است که دایر به قرارداد اراضی به جهت کشیدن لوله و غیره هر قراریرا با مالکین می‌بندد و به استحضار دولت علیه و امضای کارگزاری باشد لازم است در آن وزارتخانه محترم این تفصیل به کارگزار محمره اطلاع بدهند و برای اینکه صرفه دولت و مملکت در موقع بستن این قراردادها به خوبی رعایت شود مقرر فرمایید که کارگزاری قبل از این که آن قراردادها را امضای نماید، صورت آن را به وزارت فواید عامه بدو اطلاع بدهند و بفرستند که چنانچه ضرر نداشته باشد، پیش از اطلاع وزارت فوائد امضاء شود.

امضاء: ناخوانا

مهر: وزارت فوائد عامه

۳-۶-۵۴-۱۳۲۸ ق

سند شماره ۱۴

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت امور خارجه

نمره کتاب ثبت ۱۲۱۴۵

کارتن ۵۴ دوسیه ۶

تاریخ خروج ۱۴ جمادی الاول ۱۳۲۸

ثبت کاغذ وزارت خارجه به وزارت فوائد عامه

رقیمه شریفه مورخه ششم شهر حال نمره (۲۲۲۷) آن وزارت جلیله زیب وصول داد این که مرقوم داشته بودند کمیسر معادن نفت از کمپانی تحصیل مندی نموده که هر قراردادی در خصوص اراضی به جهت لوله کشی و غیره با مالکین می‌بندد به امضاء کارگزاری و استحضار دولت باشد استحضار حاصل نموده و به طوری که خواسته بودند به کارگزاری محمره با تلگراف رمز تعلیمات صادر شده که هر وقت قراردادی برای امضاء بیاورند، بدو به وزارت خارجه اطلاع و به استحضار آن وزارت جلیله امضاء نماید.

امضاء: ناخوانا

۶-۶-۵۴-۱۳۲۸ ق

سند شماره ۱۵

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت امور خارجه

نمره کتاب ثبت ۱۵۶۴۳۰

کارتن ۵۴

تاریخ خروج ۳ جمادی الثانی ۱۳۲۸

ثبت به وزارت فوائد عامه

نظر به مرقومه مورخه غزه جمادی الاول راجع به قراردادهای کمپانی که تعهد کرده‌اند به امضاء کارگزار برسانند به طوری که اشعار فرموده بودند با کارگزار محمره تلگرافاً دستور العمل داده شد که هر وقت قراردادی برای امضاء بیاورید، بدو از وزارت خارجه استیذان نموده، پس آن را امضاء منماید در جواب می‌نویسد البته قبلاً یک قرارداد برای امضاء آوردند و همین طور جواب داده شد و عین آن را برای اطلاع می‌بایست فرستاده؛ البته همین که رسید به اطلاع آن وزارت خانه رسانیده و به هر طور تصویب فرمودند به کارگزار... داده می‌شود.

۷-۶-۵۴-۱۳۲۸ ق

سند شماره ۱۶

نشان تاج و شیر و خورشید
از شوشتر به طهران
اداره تلگرافی دولت علیه ایران
نمره ۲۰
عدد کلمات ۲۲۰
روز ۲

مقام منیع وزارت جلیله خارجه و ریاست مجلس مقدس شورای ملی معادن نطف مسجد سلیمان و اراضی اطراف آن به موجب قبالهجات معتبره و تصرفات مالکانه قرن هاست که مملکت بلامنازع داعیان هست. چند سال قبل کمپانی نطف که خیال اقدام به کار کردن را داشت، معادن نطف را به موجب مقوله موجوده به اطلاع مرحوم حجه الاسلام آقای شیخ محمد علی - طاب ثراه - از داعیان اجاره نمود تا به حال اجاره معادن را می دهند، ولی از بابت اراضی اظهاری نمودند مسئله که اراضی اطراف مسجد سلیمان برای لوله کشی محل حاجت آنها شده، از قرار معلوم خوانین بختیاری اراضی داعیان را به آنها اجاره داده اند، در صورتی که هیچ وقت ادعائی بر آنها نداشته اند همه ساله اخذ... از آنها نموده ایم عموم اهالی عربستان از این فقره مطلعند در اینکه دوره مشروطیت ظلمی به این وضع راضی نباشند به داعیان وارد شود اگر خوانین ادعایی بر این اراضی دارند و اعیان حاضریم در عدلیه طهران یا هر جا اولیای دولت امر فرمایند اثبات حقانیت خود را بنماییم. نمایندگان محترم عربستان، خاصه جناب آقا سید محمد باقر ادیب از این مسئله مسبوق هستند محمد هادی نعمت الله لطف الله نصرالله آقا سید محمود سید ابوابی محمد باقر سید محمد محمد سید جواد سید علی حسن اسدالله ابوالحسن نعمت الله

مهر: ناخوانا

به تاریخ ۳ سرطان ایت ثیل سنه ۱۳۲۸

۸-۶-۵۴-۱۳۲۸ ق

سند شماره ۱۷

نشان تاج و شیر و خورشید
وزارت امور خارجه
نمره کتاب ثبت ۸۲۷۱
کارتن ۵۴ دوسیه ۶
تاریخ خروج ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۸
ثبت تلگراف بکارگذاری محمره

بررسی اسنادی از توسعه شرکت نفت ایران و انگلیس / محمد حسن نیا

سید محمد باقر در طهران شاکی است که کمپانی نفت بدون رضایت او در مزرعه خران و کندوزلو از توابع شوشتر ملکی او لوله کشیده و به شما نیز اطلاع داده جواب نداده‌اید تفصیل واقعه چیست؛ البته بر خلاف مدلول امتیازنامه نباید رفتار شود. اطلاع امر نموده، اطلاع بدهید.

از طرف وزیر خارجه

امضاء: ناخوانا

۴۹-۶-۵۴-۱۳۲۸ ق

سند شماره ۱۸

۱۳۲۸ / ۵ شهر جمادی الثانیه

بسمه تعالی

خدمت ذی عدلت وزارت جلیله امور خارجه عرضه می‌دارد خران و کندز لوس توابع شوشتر ملک و مزرعه داعی می‌باشد کمپانی نفط در مزرعه مذکوره لوله نفط کشیده که او را بشط العرب وصل نمایند و این مطلب اسباب ویرانی و خرابی ملک داعی می‌باشد. هر قدر به وکلای کمپانی گفتیم و نوشتیم، ثمر نکرد. مستدعی چنانچه حکمی بر کارگزاران محمره و ناصری صادر فرمایید که لوله نفط به واد مزرعه داعی نکشند و اسباب خرابی ملک نشوند و حکمی از سفیر دولت انگلیس به قنصر محمره و ناصری که مجاناً و بلاعوض لوله را در ملک داعی نکشند و اسباب خرابی ملک داعی را فراهم نیاورند، الا اسباب زحمتشان خواهد شد. منالداعی

محمد باقر الموسوی

مهر: محمد باقر بن محمد صاری الموسوی

۵۲-۶-۵۴-۱۳۲۸ ق

سند شماره ۱۹

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت داخله

اداره جنوب

نمره ۲۵۷۴

مورخه ۲۹ جوزاء ۲۱ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۹

وزارت جلیله امور خارجه

سواد مشروحه جناب آقای سید باقر شوشتری را دایر به لوله کشی کمپانی نفط در اراضی ملکی ایشان بدون اجازه مالک لفاً ارسال داشت که موافق کتبرات کمپانی نفت راجع به ماده اراضی مالکین قرار حفظ حقوق ایشان را بدهد.

مهر: وزارت داخله

۶-۵-۳-۱۳۲۹ق

سند شماره: ۲۰

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت داخله

سواد مشروحه آقا سید محمد باقر

به شرف عرض عالی می‌رساند چون در اراضی خران ملک داعی واقعه در حومه شوشتر کمپانی نفت مشغول لوله کشی بدون اجازه داعی شده و به این جهت بر اراضی و مزارع ایشان ضرر وارد آورده و لازمه این ضرر زیادی بر داعی واقع شده، به مقام رفیع وزارت جلیله امور خارجه و عرض حال نمودم، فرمودند باید از جانب سنی الجوانب وزارت داخله در این خصوص امر شود تا آن که اقدامات لازمه از طرف قرین اشرف وزارت امور خارجه به کارگزاری عربستان شود. چون در تأخیر این امر، ضرر کلی بر داعی واقع می‌شود، لذا مستدعی چنان است امر و مقرر فرمایند که به کارگزاری محمره قدغن فرمایند قرار اجرت مجری و لوله کشی نفت را با کمپانی در ملک داعی با وکیل داعیان جناب حاج رئیس قرار بدهد. انشاءالله تعالی استدعای داعیان مقرون به اجابت خواهند فرمود و اقل السادات محمد باقر الموسوی الشوشتری

۷-۵-۳۰-۱۳۲۹ق

سند شماره ۲۱

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فواید عامه

اداره معادن

نمره کتاب ثبت

تاریخ خروج ۱۹ شهر شوال ۱۳۲۷

مراسله نمره ۲۶۷۳ راجع به قرارداد جناب سردار ارفع با کمپانی معادن نفت رسید به جناب صدیق السلطنه کمیسر معادن نفت نوشته کسی که رسماً به کمپانی اطلاع بدهد تا قرارداد سردار ارفع را وزارت فواید تصویب نکرده و به امضای دولت نرسیده محل اعتبار نخواهد بود، ولی لازم است مجدداً به سردار ارفع تأکید شود سواد آن قرارنامه را مستقیماً یا به توسط وزارت جلیله داخله به وزارت فواید بفرستند که ملاحظه شود هرگاه فدوی داشته باشد از روی اطلاع دستورالعمل بدهیم کمیسر با کمپانی مذاکره نماید و در صورت لزوم به توسط وزارت جلیله خارجه با سفارت انگلیس گفتگو شود.

۳۲-۲۵۱۶۸-۲۴۰۰

سند شماره ۲۲

نشان تاج و شیر و خورشید
وزارت داخله
نمره کتاب ثبت سواد تلگراف سردار ارفع
بتاریخ ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۷

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل عالی آقای وزیر داخله
تأخیر فرستادن صورت مقاوله نامه با مأموریت کمپانی نفت به واسطه عدم اطمینان از وصول پست از نا
امنی طرق است. انشاءالله با یک نفر مخصوص انفاذ خواهد داشت سالماً حضور مبارک برساند فرمایشات
را مترصدم. (خزعل)

امضاء: سواد مطابق با اصل است
مهر: دفتر وزارت داخله
۴۱-۲۵۱۶۸-۲۴۰۰

سند شماره ۲۳

نشان تاج و شیر و خورشید
کارگزاری کل عربستان و شط العرب
و مدیریت سیر سفاین در شط کارون
اداره مهام کارگذاری
مورخه هشتم شهر صفر ۱۳۲۹
نمره عمومی ۴۸۲ خصوصی ۱۱۴
مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

طی تلگراف رمزی که در (۱۵) شوال عرض کرد، معروض داشت مقصود شیخ محمره ابتدا از جمع‌آوری
جمعیت و استعداد هر چه بود عنوان آخری شان را به اینجا منتهی خواهند نمود که بختیاری محرک اعراب و
محض جلوگیری آن است چنانچه بعد همانطور هم شد و به صدد اذیت شیخ فرحان که مربوط به بختیاری
است بر آمدند و سایر نسبت‌ها که به او دادند، از قبیل آنکه کسان او در محل موسوم به در خزینه از کمپانی
نفت چیزی به سرقت برده‌اند بل می‌خواسته‌اند به کشتی‌های انگلیس هجوم بیاورند، گویا بهانه یا حرف
و حرف بوده است، زیرا اولاً از طرف انگلیس‌ها همچون اظهاراتی به کارگزاری نشده است و اگر صحت

می‌داشت، می‌بایست پیش از آنها رسماً شکایتی کرده باشند؛ ثانیاً در خزینه خاک بختیاری است و به چه نحو ممکن است بستگان آنها در خاک آنها مرتکب سرقت اموال خارجه بشوند؛ ثالثاً شیخ فرحان و کسان او با کدام کشتی جنگی می‌خواستند به کشتی‌های انگلیس هجوم کنند؛ رابعاً از این نیز به خوبی مدلل می‌شود که مابین شیخ و انگلیس‌ها در حقیقت روابطی است که یکی شاهد و دیگری مدعی است و عمده جای تأسف همین فقره است که به ظاهر شیخ در باطن انگلیس‌ها کار می‌کند و فی‌الواقع عداوت شیخ و بختیاری هم از خارجی است و علت معنوی این است که شیخ کارکن انگلیس‌ها است و بختیاری نیست، چنانچه حالا هم که شنیده‌اید، بختیاری به عربستان مأموریتی دارد و میل انگلیس‌ها بر این است که برای پیشرفت پلتیک آنها در عربستان خصوصاً و در جنوب ایران عموماً مخل مانعی نباشد. این بار گویا می‌خواهند وزارت جلیله داخله را بهانه کرده، اگر بتوانند در عربستان و بلکه کلیه جنوب اغتشاش و خدای نکرده کاملاً اسباب حصول مقاصد اجانب فراهم کنند به هر حال بدیهی است خارجه و خائنین داخله آن آسوده نمی‌شوند و راپورت‌های لازمه را چه با پست و چه با تلگراف، عرض خواهد کرد. الامر امر اشرف مطاع، ابوموسی حسین ۱-۳-۳۲۹ق

سند شماره ۲۴

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت داخله

سواد تلگراف رمز به سردار ارفع از محمره

مقام منیع وزارت جلیله داخله

در جواب نمره ۴۲۱ جسارت می‌نماید اینکه می‌فرمایند راپورت رسیده، زمانی که فدوی در ادريسه کارون بوده قونسول انگلیس و شیخ کویت آمده، ملاقات نموده. این مطلب اهمیتی ندارد و نداشته شیخ کویت به واسطه دوستی قدیمانه که اباعنجد با این خانواده دارد، همه وقت به اینجا آمد و شد می‌کند. چون فدوی در ادريسه که ده فرسخی محمره است بودم، آمد به آنجا و روزی دیدن نمود؛ بعد به ناصری رفت به جهت ملاقات فرزندی ناصرالملک، یک روز هم آنجا بود مراجعت کرد. مذاکرات پلتیکی یا مطلبی در میان نبود. چون مستحفظین سرحد از اقدامات انگلیس‌ها در تجدید نشانه در خور و نصب یک چوب در ابتدای ساحل رود شط العرب اطلاع داده بودند. قونسول را دیدم تحقیق نمایم که چه مطلبی است تفصیل را چند روز قبل در جواب نمره ۱۸۳۹ رمزاً به عرض رسانید از قرار اظهار کارگزاری تلگرافی از وزارت جلیله خارجه داشته که راپورت داده‌اند انگلیسی‌ها قشون در سواحل شط العرب پیاده نموده‌اند و همچنین در روزنامه‌جات درج شده از بوشهر به امضاء عبدالکریم نامی تلگراف به مجلس مقدس و حضور اولیای دولت عرض کرده که در عبادان و قصبه انگلیس‌ها بیرق زده و قشون پیاده نموده‌اند از قرار گفته کارگزار این عبدالکریم نام در بوشهر معلم مدرسه است. مستدعی است امر به بنادر شود که این شخص را بفرستد گفته خود را مدلل نماید و الا باید به مجازات برسد تا اینکه بعدها احدی مطالب بی اصل و خلاف واقع عرض نکند که خاطر اولیای دولت

بررسی اسنادی از توسعه شرکت نفت ایران و انگلیس / محمد حسن نیا

را مشوب نمایند؛ کذالك کسی که راپورت داد کمپانی نصب علایم یا خارج از وظیفه و مشغول کار نفا...
۱۳۲۹-۳۰-۱-۹۸ ق

سند شماره ۲۵

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

سواد راپرت سفارت لندن

مورخه ۱۰ ربیع الاول ۱۳۳۲

نمره ۳۱۳۶۵

لورد استراتکونا که صدر نشین کمپانی نفا انگلیس و ایران بود و شخصی خیلی معروف معتبری بود، این اوقات فوت شد. نظر به اینکه صدر نشین کمپانی نفا ایران بود، به طوری که مقتضی بود اظهار تعزیت شد و خودم در موقع فاتحه خوانی حاضر شدم. لورد متوفی بیش از نود سال سن داشت، ولی در این سن خیلی فعال بود و متصل کار می کرد. شخصی که احترام و معروفیت او را داشته باشد، مشکل از کمپانی پیدا کند از قراری که شنیدم دور نیست که دولت انگلیس در تعیین صدر نشین برای کمپانی دخالت داشته باشد و شخصی را که محل تصویب دولت مشارالیه باشد تعیین کنند و دولت انگلیس کلیه در کار کمپانی خیلی توجه دارد و کمپانی هم چنانچه البته خوب اطلاع دارید، هیچ کار نمی کند بدون مشورت وزارت خارجه می دانید که کمپانی خیلی معتبر است از حیث هیئت رئیسه و طبیعی است که دولت انگلیس سعی داشته باشد که آن را معتبرتر و بانفوذتر بکند و در حقیقت اعضای سندیکای امتیازات اغلبشان از رؤسا و اجزای همین کمپانی هستند.

در باب هیئتی که چندی قبل از طرف دولت انگلیس به ایران رفت که معادن نفا را معاینه کنند به محض اینکه ببینند آیا صلاح دولت انگلیس هست که قراردادی با کمپانی نفا ایران بگذارد و برای خرید نفا، خاطر مبارک را همان وقت مستحضر نمودم. هیئت مزبور حالا مراجعت کرده است هنوز به طور یقین نمی دانم چه راپورتی به دولت خواهد داد، ولی از قراری که شنیدم راپورتی خیلی خوب است به طوری که عرض شده بود دولت انگلیس برای چهارات خود نفا لازم دارد. عوض ذغال نفا استفاده شود. آنچه در این باب اطلاع حاصل شد به عرض می رساند.

امضاء: ناخوانا

سواد مطابق با اصل است

۲۴۰۰۰۵۷۲۸-۴۱۳

سند شماره ۲۶

JAMES CLUB
PICCADILLY.W

۲۷ نوامبر ۱۹۱۳

نمره ۱۶

به مقام منبع وزارت فوائد عامه

چهارم مجلس عمومی انقلوپرشن اوئیل کمپانی که در آن هر صاحب سهمی می‌تواند حاضر شده و رأی خود را بدهد. به ریاست لرد استراچکونا که رئیس کمپانی است منعقد گردید و راپرت رؤسای کمپانی و صورت حساب برای سال گذشته خوانده شد و بعد لرد و نایب رئیس مستر والس شرحی بیان نمودند که مختصر آن از این قرار است: «بدبختانه برای سال گذشته ترقیاتی چندان در کار کمپانی نشده و بعضی اشکالات راجع به رفانیری به میان آمد، ولی همه اشکالات همین حالا رفع شده و نهایت امیدواری را داریم که موقع برداشتن منافع برای این سرمایه بزرگی که در این کمپانی گذاشته شده رسیده و خیلی اسباب مسرت است برای همه صاحبان اسهام که قرار شده فقط به جای ذغال در همه کشتی‌های انگلیسی به مصرف برسد و این هم بدیهی است که اهمیت و قیمتی به نفع داده و می‌دهد و امتیازی که ما داریم، بزرگ‌ترین امتیاز نفتی است در روی کره ارض که تحت نفوذ دولت انگلیس است و خیلی خوش‌وقتیم از اینکه بگویم که روابط حسنه میانه دولت ایران و ما برقرار است و دوستی ما با رؤسای ایالات در محل در نهایت استحکام و به هیچ وجه اغتشاشی در آن قسمت مملکت که ما هستیم روی نداده. راه آهنی که پارسال به آن اشاره شده، حالا مشغول ساختن آن هستند و امید است که این اول راه آهنی باشد که در جنوب ایران ساخته شود و از دو نقطه نظر قابل خیلی توجه برای دولت ایران خواهد بود: اولاً منفعت خوب می‌دهد ثانیاً اسباب این می‌شود که دولت طبیعی آن قسمت مملکت کشف گردد. پر واضح است که ترقی دولت ایران چه در مکننت و چه در سعادت اسباب ترقی این کار که ما در دست داریم خواهد شد؛ لهذا سعی دولت ایران که راه آهنی برای خود راه بیندازد که بهبودی در وضعیت مملکت حاصل شود کمک قلبی ما را جلب می‌کند.

یک نفر از صاحبان اسهام برخواست و گفت که می‌دانم نفت کمپانی از درجه اعلی است، ولی گفته می‌شود که مقدار زیاد گوگرد در آن هست که تسویه فقط را مشکل می‌کند و میل دارم که بدانم حقیقت امر چیست. نایب رئیس جواب داد که صحیح است که کمپانی گرفتار اشکالات زیاد در تسویه کردن نفت شده و هنوز هم آن اشکالات به کل رفع نگشته و صحیح است که قدری گوگرد مخلوط دارد، ولی همه معادن نفت در همه حال و ساز با هم قدری اختلاف دارند و همه یک‌جور و یک‌جنس نمی‌شود و این نفت کمپانی درصد یک گوگرد دارد و این اهمیتی چندان ندارد. مجلس ختم شد و صاحبان اسهام متفقاً اظهار رضایت و اطمینان خودشان را از رؤسای کمپانی نمودند.

زیاده عرض ندارد

عبدالعلی

۲۴۰-۵۷۳۸-۲۴۰

۲۴۱-۵۷۳۸-۲۴۱

سند شماره ۲۷

هو

استخراج تلگراف رمز از لندن

حضرت مستطاب اجل اشرف علاء السلطنه در باب امتیاز نطف دارسی از وکیل شرعی بعضی تحقیقات نموده است که لازم دید به عرض برساند. اولاً می‌گویند که امتیازنامه را خیلی بد نوشته‌اند و مبهم است و قراری که دارسی با کمپانی دارسی داده است، خوب یا بد چیزی در امتیازنامه نیست که او را نهی نماید از بستن چنین قراردادی به علاوه در نظامنامه شرکت اولی که تشکیل داده است و نسخه‌ای از آن نزد فدوی است، حق بستن این نوع قرارداد را برای کمپانی منظور داشته است. این نظامنامه را ونسان که آن وقت کومیسر بود، لازم بود به دولت علیه ایران تقدیم نموده باشد و اگر ایرادی به فصول آن بود، همان وقت شده باشد. تاریخ قرارداد دارسی با کومپانی بورما در ماه مه هزارو نهصد پنج است. چند نفر از رؤسای کومپانی معروف جمع شده، سندیکای تشکیل داده‌اند و صد هزار لیره گذاشته‌اند و برای فرستادن آدم اسباب و پیدا کردن نطف از قراری که کومپانی می‌گوید این قراری است شخصی که این چند نفر برای تهیه پول مابین خودشان داده‌اند و شرکتی نیست که در تحت فصل نهم امتیاز بیاید و لازم باشد رسماً او را به دولت علیه ایران اطلاع بدهند و نظامنامه ندارد و شرکتی که اعلام رسمی آن لازم است، شرکتی است که بعداً می‌آید بعد از آنکه نطف پیدا کردند و این شرکت را امیدوارند در ماه مه هذمه السنه تشکیل بدهند. در این باب‌ها فدوی باز مشغول تحقیقات و مشورت هستم. کومیسر سابق از قراری که دارسی با کومپانی بورما داده است مدتی قبل از وقت اطلاع داشت و وقتی که در کومیسری زیرا که دارسی مشغول بعضی قراردادهای است و اگر مواظب نشود و شاید بدون اذن و اطلاع دولت علیه ایران ضرر داشته باشد و مختصری هم نوبت که فدوی در همان وقت از قول او تنها تلگراف نمودم، ولی نخواست بگوید چه کاری است که دارسی می‌نماید. فدوی به او گفتم که تکلیف شما است هر چه می‌دانید و به نظر آنان می‌رسد بگویند و الاً مسئول خواهید شد وکیل شرع اشخاص اهل اطلاع و بی‌غرض می‌گویند که این قرارداد برای ایران هیچ علت ندارد، بلکه خیلی مفید است، زیرا که کومپانی نطف بورما خیلی با اعتبارات چون به موجب روزنامه‌ها در مجلس شور در باب امتیاز نطف مذاکره است لازم دید که با تلگراف این نکات را به عرض برساند هفته آینده با کمپانی ایرانی مقدمات خرید شده با پست هم عرض حاضر شد پیش از اینکه تصور فرمایید فدوی در راه امتیاز زحمت کشیده و پول وکیل شرع داده‌ام لازم است خود کومیسر این کارها را بکند.

مهدی ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۴

۸۰-۲۶۷۴۶-۲۴۰

۲۵۰۰۲۶۷۴۶-۸۱

سند شماره ۲۸

نشان تاج و شیر و خورشید

سفارت سنه لندن

(مسیو دارسی) کاغذی به تاریخ چهارم ماه ژون نوشته است که کمپانی نفت بورماداد (مسیو پریس) را تعیین کرده‌اند که بالکلیه امورات امتیاز نفت که مربوط به دولت علیه ایران است رسیدگی نماید. خواهش نموده است من بعد که بعضی تحقیقات و برای هرچه لازم بشود، مشارالیه راجع شود. فدوی خیال دارد کاغذی با مسیو دارسی نوشته، بعضی توضیحات در باب این کاغذ و بابت مقام (مسیو پریس) و بر روابط او کمپانی بخواهد و قبول این مطلب تکلیف او را موقوف به اجازه از طرف دولت علیه خواهد شود. عجالاً لازم دید مضمون کاغذ او را به عرض برساند که در این بین که با او مکاتبه می‌شود، دولت علیه هم از این مطلب مسبوق شده، اگر ایرادی دارند، تلگرافاً مرقوم بفرمایید.

معروضه ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۴

فدوی: مهدی

۲۴۰۰۲۶۷۴۶-۸۶

سند شماره ۲۹

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

سواد ترجمه ویس قونسول ایران از رنگون به آقای مفتاح السلطنه

مورخه ۲۷ ژانویه ۱۹۱۳

عطفاً بر تحقیقاتی که در کلکته در طی چند فقره یادداشت از اینجانب نموده بودند، مراتب ذیل را عرض می‌نماید. نفت که در این دو کمپانی نفت بیرما در زنگون تصفیه می‌کند، بر سه قسم است: اول نفت موسوم به گله موامور؛ دویم نفت دریاشل متمم ویکتوریا تمام این نفت‌ها در پیت‌هایی است که هر کدام سه گالون ظرفیت دارد و قیمت بازار آنها از این قرار است

۴ روپیه

از قرار هر دو چیلک

گله موامور

۳ روپیه و ۱۴ آنه

از قرار هر دو چیلک

دریا شل

۳ روپیه و هشت آنه

از قرار هر دو چیلک

ویکتوریا

این‌ها قیمت کتبی اجناس مزبور است که کمپانی به این قیمت به تجار می‌فروشند و تجار مبلغ مختصری را برای نفع خود بر آن اضافه می‌نمایند - و نیز لفاً یک قطعه از جریده زنگون گازت ارسال

بررسی اسنادی از توسعه شرکت نفت ایران و انگلیس / محمد حسن نیا

می‌دارد- قطعه روزنامه ملفوف راپورت قنسول آمریکا در بغداد اینکه در خصوص تجارت نفت نوشته، یقین دارم برای آن جناب قابل توجه خواهد بود. اما در خصوص بازماندگان حاجی محمد جواد مرحوم از بیرمای علیا مشغول تحقیقات شده‌اند. همین که جواب‌ها رسید، خاطر مبارک مستحضر می‌دارد.

امضاء ذیل قونسول ایران

امضاء: ناخوانا

سواد مطابق با اصل است

۲۴۰۰۰۵۷۳۸-۴۰۴

